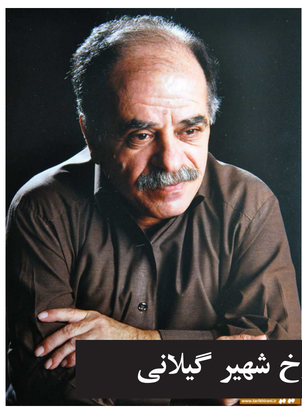
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال هیجدهم - شماره ۷۸۸ یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹٤- ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



در گذشت پژوهشگری که در شمال، به فکر جنوب و بوشهر بود

صفحه۸

در سوگ افشین پرتو مورخ شهیر گیلانی



ابراهیم سنگابی هنرمند و خواننده بوشهری در مصاحبه با نسیم جنوب:

خواننده شاد بوشهری از شونشینی تا خندوانه

صفحه۴

نگاهی به "پرسش مهر" دکتر روحانی در آغاز سال تحصیلی:

دمیدن روحیه پرسش گری و امیدواری در بین دانش آموزان

صفحه ۳



۵

پگاه حفظ اله جوان موفق استان بوشهر در کنکور:

والدین اطلاعات خود را نسبت به کنکور، بهبود بخشند تا شرایط فرزند خود را درک کنند

۵

نتیجه ۸۴ تقدیر ما نبود، ناشی از تقصیر ما بود

خودرأیی و لجاجت فرسنگ ها با فرهنگ اصلاح طلبی فاصله دارد

بهرام نکیسا

۷

نقد کتاب یا عقده گشایی!؟

واکنشی به نوشته های محمد محبوبی

خورشید فقیه

۸

افشین پرتو هم آرام گرفت

سید قاسم یاحسینی

دعوت به جلسه

در راستای اجرای اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور کاهش آلودگی محیط زیست، جلسه هم اندیشی و نظرسنجی اجرای طرح «تبدیل واحدهای گازی نیروگاه پارس جنوبی به سیکل ترکیبی» در قالب مکانیسم توسعه پاک (CDM) پروتکل کیوتو در تاریخ ۹٤/۷/۱٤ ساعت ۱۰ تا ۱۲ در محل نیروگاه پارس جنوبی به آدرس : عسلویه- ابتدای جاده عسلویه بیدخون- جنب پمپ بنزین بید خون- نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی- سالن جلسات طرحهای نیرو گاهی شرکت نفت و گاز پارس برگزار می شود. بدینوسیله از نمایندگان کلیه نهادهای ذی نفع و عموم مردم ساکن اطراف محل اجرای طرح برای شرکت در جلسه مزبور دعوت بعمل می آید.

شرکت انرژی های تجدید پذیر مهر

دعوت به همکاری

شرکت مهندسی سیستم یاس ارغوانی از واجدین شرایط دعوت به همکاری می نماید.

پست سازمانی: مدیر مرکز پشتیبانی دستگاه کارتخوان

واحد متقاضی: پشتیبانی پایانه های فروش الکترونیکی بوشهر

جنسیت: مرد

مدرک تحصیلی: کارشناسی

محل سکونت: بوشهر

سن: حداکثر ۳۵ سال

سابقه کار: ٤ سال

تکمیل در سایت: WWW.sys-yaas.com

موسسه نیکوکاری باران مهر لیان

مرکز حرفه آموزی (۱۰۰درصد رایگان) و اشتغال زایی معلولین جسمی حرکتی استان بوشهر

نشانی: بوشهر، خیابان امام خمینی (ره)، انتهای کوچه انتقال خون، کوچه شهید حمایتی

ساعات مراجعه: ۸ صبح الی ١٤

www.baranemehr.ir

info@baranemehr.ir

شماره تلفن: ۳۳۳۲۱۸۸۸ - ۳۳۳۲۵۷٤۷

همراه: ۰۹۱۷ ۳۷۲ ۵۱٤٤ -۰۹۱۷ ۷۷۱ ۳۰۷۲

آگهی مناقصه

زیرسازی و آسفالت معابر روستای جزیره شیف

شرح عملیات: اجرای زیرسازی (اساس و زیر اساس) آسفالت به ضخامت ۱۰ سانتیمتر، قیرپاشی و جدول کشی.

تاریخ بازدید به مدت ۳ روز از انتشار آگهی- ساعت بازدید ۱۲-۸ صبح و

مکان طرح: روستای جزیره شیف

شماره تماس: ۰۷۷-۳۳٤۱۱٤۵۵ -۰۹۱۷ ۹٦۱ ٤۵۵۸

مرمت و احیا بافت های تاریخی استان بوشهر نیازمند برنامه ریزی جدی است

استاندار بوشهر گفت: مرمت و احیا بافت های تاریخی این استان نیازمند عزم و برنامه های منسجم تری است.

به گزارش ایرنا، مصطفی سالاری در نخستین نشست انجمن های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر افزود: بازسازی و مرمت بافت های تاریخی تنها با استفاده از بودجه دولتی کارساز نبوده و همین امر استفاده از ظرفیت بخش خصوصی را فزونی بخشیده است.

وی اضافه کرد: سرمایه گذاری در بافت تاریخی استان بوشهر بویژه بافت قدیم شهر بوشهر متقاضیان زیادی دارد ولی فرایند بروکراسی آن موجب شده تا افراد متقاضی آن میل و رغبت زیادی به آن نشان ندهند.

استاندار بوشهر یادآور شد: روند مرمت و بازسازی مدرسه سعادت شهر بوشهر بعنوان یک اثر تاریخی مهم پیشرفت خوبی دارد که با تداوم این روند تا پایان امسال به بهره برداری خواهد رسید.

وی تاکید کرد: قلعه نصوری سیراف یکی از آثار تاریخی ارزشمند است مرمت و بازسازی آن انجام شده و می تواند تبدیل به پایگاه اقامتگاهی بسیار مناسبی برای گردشگران شود.

استاندار بوشهر گفت: با توجه به اینکه برخی از زمین های محدوده آثار تاریخی بندر سیراف تصرف شده باید به منظور ساماندهی آن زمین های تصرف شده آزادسازی شود.

سالاری در ارتباط با راه های رونق بازار صنایع دستی استان بوشهر نیز گفت: صنایع دستی تا زمانی که زمینه عرضه آن در یک بازار فروش مناسب فراهم نشود از رونق لازم برخوردار نخواهد بود از این رو در دهکده گردشگری بوشهر بازار فروش صنایع دستی نیز پیش بینی شده است.

وی یادآور شد: از ۹ دهکده گردشگری پیش بینی شده برای استان بوشهر شش دهکده در ساحل خلیج فارس اجرا خواهد شد.

سالاری یادآور شد: اعتبار مورد نیاز ساخت دو دهکده از این شمار در جریان سفر سال گذشته رییس جمهور تصویب شده است.

معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور نیز گفت: به منظور تقویت فعالیت حوزه حفظ میراث تاریخی کشور باید علاوه بر ظرفیت های این سازمان از ظرفیت سایر دستگاه ها نیز استفاده شود.

محمدحسن طالبیان افزود: راه اندازی انجمن های میراث فرهنگی کمک شایانی به تقویت فعالیت های حوزه میراث فرهنگی کشور خواهد کرد.

وی یادآور شد: تاکنون با راه اندازی انجمن های میراث فرهنگی ۱۲۰ هزار نفر به عضویت آن درآمده اند که با وجود راه اندازی انجمن استان بوشهر به عنوان بیست و یکمین استان کشور تعداد عضو شده در انجمن های افزایش پیدا خواهد کرد.

رییس شورای اسلامی شهر بوشهر:

برخی از مدیران بوشهر برای انجام وظیفه ذاتی خود توانایی لازم را ندارند



رییس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: برخی از مدیران در بوشهر برای انجام وظایف ذاتی خود توانایی لازم را ندارند.

به گزارش ایرنا، عبدالخالق برزگرزاده در نشست علنی شورای اسلامی شهر بوشهر افزود: ناتوانی برخی مدیران مشکلات زیادی را در سطح بوشهر ایجاد کرده است.

وی ادامه داد: بسیاری از مشکلاتی که در بوشهر بوجود آمده پیش پا افتاده و ناشی از ضعف برخی مدیران است که در سمت مدیریتی خود یا تمایلی به خدمت ندارند و برای خدمت ناتوان هستند.

برزگرزاده گفت: ماندن چنین مدیرانی در سمت واگذار شده جای نگرانی، گلایه و ناراحتی دارد.

وی با بیان اینکه برخی از مدیران از جان و دل برای بوشهر مایه می گذارند یادآور شد: ضعف برخی از مدیران موجب شده تا اعضای شورای شهر بوشهر بیشتر درخواست حل مشکل شهروندان را از استاندار داشته باشند.

برزگرزاده گفت: اگر قرار بر درخواست همه مشکلات سطح شهر از استاندار باشد باید استاندار مدیریت نزدیک به ۲۰۰ دستگاه اجرایی موجود در بوشهر را برعهده بگیرد.

استاندار بوشهر آئین بازگشائی مدارس در بوشهر:

رئیس جمهوری بدنبال تقویت روحیه پرسشگری دانش آموزان است

استاندار بوشهر گفت: اهتمام رئیس جمهوری در طرح پرسش مهر از دانش آموزان در مورد فرصت های جدید پیش روی ملت پس از توافق در راستای تقویت روحیه پرسشگری دانش آموزان است.

به گزارش ایرنا مصطفی سالاری در آیین سال تحصیلی جدید در استان بوشهر افزود: رئیس جمهوری در پرسش مهر سال تحصیلی ۹۵- ۱۳۹۴از دانش آموزان پرسید: بعد از توافق هسته ای با ۶ قدرت بزرگ دنیا چه فرصت های تازه ای پیش روی ایران گشوده شده و فرصت های جدید در بخش های گوناگون چیست؟

وی یادآور شد: پرسش مهر رئیس جمهوری بیانگر این است که دولت جایگاه دانش آموزان را فراتر از کلاس درس می داند و حضور آنها را در فعالیت های اجتماعی نیز دنبال می کند.



استاندار بوشهر اضافه کرد: توافق هسته ای از دستاوردهای نظام است که با تلاش دولت و رهنمودهای مقام معظم رهبری محقق شد.

سالاری ادامه داد: باتوجه به تحولات و فرصت های پساتحریم حاصل از توافق هسته ای برای ایران اسلامی بهره مندی از دستاوردهای آن در گرو برنامه ریزی و جلب مشارکت نخبگان جامعه است.



وی گفت: رئیس جمهوری با طرح این پرسش از دانش آموزان اعتماد و اهتمام به دیدگاههای سطوح مختلف را در جامعه نهادینه می کند.

استاندار بوشهر افزود: امسال در فضای همدلی و همزبانی باید تلاش شود سالی متفاوت برای همه بخش ها از جمله نظام تعلیم و تربیت رقم بزنیم.

وی یادآور شد: باتوجه به اینکه سرنوشت جامعه در مدارس رقم می خورد توجه متولیان آموزشی نباید فقط به کمیت گرایی باشد بر همین اساس اگر در مدارس بنیان امور درست پایه گذاری شود در دانشگاه به نتیجه مطلوب دست خواهیم یافت.

سالاری با تاکید بر کیفیت گرایی در مسایل آموزشی گفت: جلب مشارکت مردم در تعلیم و تربیت در پویایی و موفقیت نظام آموزش و پرورش موثر است.

استاندار بوشهر افزود: رفع مشکلات نظام آموزشی نباید به حمایت دستگاههای دولتی محدود شود بلکه خیرین نیز مشارکت کنند تا انجام این رسالت سترگ بر دوش آموزش و پرورش سنگینی نکند.

وی گفت: هر چند دستگاههای مختلف اجرایی استان بوشهر بعنوان معین مدارس تعیین شده اند اما حل مشکلات فراروی آموزش و پرورش مشارکت مردم را نیز طلب می کند.

به همت مدیر موزه دریانوردی صورت گرفت

نصب سردیس استاد زنگنه در موزه دریانوردی

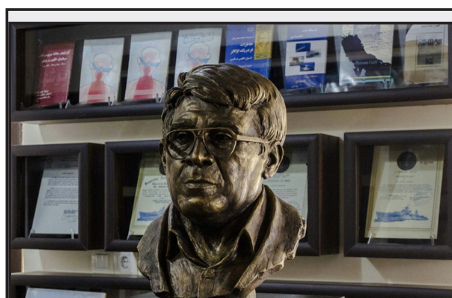
به همت عبدالرحمن برزگر مدیر موزه دریانوردی و موسسه خورشید مهرگان لیان و گرافیک نی‌لبک سردیس مترجم نامدار خلیج‌فارس زنده‌یاد استاد حسن زنگنه در موزه دریا و دریانوردی خلیج‌فارس نصب شد.

عبدالرحمن برزگر با اشاره به نقش استاد حسن زنگنه در تاریخ، فرهنگ استان بوشهر گفت: استاد حسن زنگنه از نامداران عرصه تاریخ پژوهشی در جنوب کشور بودند و آثار ایشان در مورد خلیج‌فارس، بوشهر و مناطق اطراف مرجع کاملی برای محققان و دانشجویان بوده است.

وی بیان کرد: محققان و پژوهشگران تاریخ همواره بر نقش تاثیرگذار استاد زنگنه در آثار پژوهشی تاریخ جنوب کشور تأکید داشته و دارند.

برزگر گفت: همواره باید یاد و خاطره آن محقق و نویسنده و مترجم برجسته بوشهری را زنده نگه داریم و نصب تندیس ایشان نیز در راستای همین امر صورت گرفته است.

گفتنی است که بخشی از آثار استاد زنگنه به همت نیروی دریایی در این موزه نگهداری می‌شود.



حسن زنگنه متولد ۱۳۲۸ در بوشهر بود و عصر روز ۲۸ شهریورماه سال گذشته در بوشهر پس از یک دوره بیماری درگذشت. منبع: فارس

اجرای طرح امید اجتماعی با مشارکت ادارات و سازمان‌های مردم نهاد در استان بوشهر



معاون سیاسی، امنیتی استاندار بوشهر گفت: طرح امید اجتماعی استان بوشهر با همکاری آموزش فنی و حرفه‌ای، ادارات کل ورزش و جوانان، دانشگاه علوم پزشکی و حفاظت محیط زیست استان بوشهر و همراهی سازمان‌های مردم نهاد اجرایی می‌شود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، فتح الله حقیقی در نشست اتاق فکر جوانان استان بوشهر با تسلیت شهادت امام محمد باقر(ع) اظهار داشت: با نشست‌های منظم و کارشناسی شده‌ای که در اتاق فکر جوانان استان بوشهر تاکنون صورت گرفته طرحی با عنوان امید اجتماعی تدوین شده که در سطح روستاها و شهرهای استان با همکاری سازمان‌های مردم نهاد اجرایی می‌شود.

وی تصریح کرد: طرح امید اجتماعی با همکاری اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای، ورزش و جوانان، دانشگاه علوم پزشکی و حفاظت محیط زیست استان بوشهر آغاز می‌شود.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر عنوان کرد: از جمله اهداف ما در اجرای این طرح شادکامی اجتماعی و سفیران امید، توسعه و توانمندسازی زنان و جوانان روستایی، ارتقا سلامت اجتماعی و درمانی همراه با زیرساخت‌های پزشکی و توانمندسازی و ارتقا سازمان‌های مردم نهاد است.

وی با قدردانی از خبرگزاری مهر، تمامی خبرگزاری‌ها، خبرنگاران و اصحاب قلم در راستای برگزاری جشنواره مدیران پاسخگو افزود: رسانه‌ها حلقه مطمئن بین مدیران و مردم هستند و آنچه خواسته و نیاز مدیران است را پالایش و در اختیار مردم قرار می‌دهند.

حقیقی با اشاره به اینکه رسانه‌ها بستر پاسخگویی را برای مردم فراهم می‌کنند، گفت: ما مدیران وظیفه قانونی داریم که در قبال مردم پاسخگو باشیم و برای محقق شدن شعار همدلی و همزبانی و در راستای پویایی انقلاب اسلامی باید با رسانه‌ها همراهی بیشتری داشته باشیم که این خواسته دولت تدبیر و امید است.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر یادآور شد: اقدامی که خبرگزاری مهر با همراهی خبرنگاران در راستای انتخاب مدیر پاسخگو در استان بوشهر انجام داد زمینه و بستر لازم را برای پاسخگویی هر چه بیشتر ما مدیران به مردم فراهم کرد.

حقیقی خاطرنشان کرد: در راستای ارتباط و حمایت بیشتر از رسانه ها و مطبوعات استان، اتاق فکر رسانه را پویا و فعال تر خواهیم کرد تا بتوانیم در راستای پاسخگویی شفاف و مناسب به مردم گام برداریم.

وی با بیان اینکه مسئولان سازمان های مردم نهاد را ویژه، حمایت کنند، اظهار کرد: دولت اعتقاد دارد که نباید سازمان های مردم نهاد را به صورت نمایشی حمایت کرد بلکه باید به صورت عملی با آنان همراه شد.

حقیقی با اشاره به اینکه سمن ها تصمیم سازان مناسب در کنار مدیران هستند افزود: برای اینکه بتوانیم سازمان های مردم نهاد را به عنوان یک تصمیم ساز در کنار مدیران قرار بدهیم باید آنان را توانمند کنیم.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر یادآور شد: همچنین برای کیفیت بخشی به سازمان های مردم نهاد و آشنایی آنان به وظایف خود باید آموزش های لازم را ارائه دهیم تا بتوانند بهتر به وظایف خودشان عمل کنند.

بوشهر آماده گل کاری است

برای گل کاری شهر بوشهر گلهای اطلسی ایرانی، کوکب کوهی، همیشه بهار، اطلسی خارجی، میمون، شاه پسند، شب بو، گازانیا و ... در دو نهالستان شهرداری بندر بوشهر آماده کشت شده است و از اول آبان ماه در سطح معابر اصلی شهر کاشته می شود.

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر رضا آماره رییس سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری بندر بوشهر گفت: سازمان پارک ها و فضای سبز، بستر شهر بوشهر را برای گلکاری آماده می کند.

وی در ادامه افزود: برای گلکاری شهر بوشهر گلهای اطلسی ایرانی، کوکب کوهی، همیشه بهار، اطلسی خارجی، میمون، شاه پسند، شب بو، گازانیا و ... در دو نهالستان شهرداری بندر بوشهر آماده کشت شده است و از اول آبان ماه در سطح معابراصلی شهر کاشته می شود.

رییس سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری بندر بوشهر با اشاره به شرایط اقلیمی شهر بوشهر ابراز داشت: شرایط آب و هوایی شهرهایی همچون بوشهر در شش ماهه دوم سال به گونه ای است که قابلیت کشت بیش از ۱۵ گونه گیاهی و گل در معابر و فضای سبز دارد. آماره افزود: این در حالی است که به دلیل گرما و رطوبت بالا در شش ماه نخست سال بیش از ۵ گونه گیاهی و گل در شهر بوشهر قابلیت کشت ندارد.

برگزاری کلاسهای آموزشی برای رانندگان اتوبوسرانی

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر، مدیرعامل سازمان اتوبوسرانی شهرداری بندر بوشهر گفت: سازمان اتوبوسرانی بوشهر و حومه حداکثر تلاش خود را در جهت رضایت مندی شهروندان و محصلین و دانشجویان عزیز بکار می برد. خداکرم قائدی در ادامه افزود: به همین منظور این سازمان به منظور آمادگی جهت استقبال از بازگشائی مدارس و شروع سال تحصیلی جدید اقدام به برگزاری یک دوره کلاسهای آموزشی برای پرسنل و رانندگان این سازمان نمود.

قائدی خاطرنشان کرد: این کلاس ها شامل اطفاء حریق، آشنایی و یادآوری بیشتر مقررات و آئین نامه های راهنمائی و رانندگی و نحوه برخورد و رفتار صحیح با مسافران و دانش آموزان و دانشجویان بود. کارشناسان آتش نشانی و راهنمائی و رانندگی برای همه رانندگان وسایل نقلیه ای که در اختیار این سازمان است نکات لازم در انجام یک سفر ایمن و ارتباط صحیح با مسافران و انجام مقررات و آئین نامه های راهنمائی و رانندگی را تشریح نمودند.

مدیرعامل منطقه ویژه پارس:

۲۵۰ میلیارد به پروژه‌های راهسازی استان بوشهر تزریق شد



مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس از تزریق اعتبار ۲۵۰ میلیاردی با هدف کمک به تسریع در عملیات پروژه های راه استان بوشهر خبر داد.

به گزارش از پایگاه اطلاع رسانی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، مهدی یوسفی با اشاره به سیاست‌های وزارت نفت در توجه به محیط پیرامونی و همجوار تاسیسات و پروژه‌ها اظهار داشت: با هدف کمک به توسعه متوازن منطقه و با نگاه وزیر مقام عالی وزارت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، صنعت نفت تاکنون در طرح‌های زیربنایی و زیرساختی مهم استان بوشهر مشارکت داشته است. مدیرعامل سازمان منطقه ویژه پارس افزود: تزریق اعتبار ۲۵۰ میلیارد ریالی اخیر نیز در همین راستا بوده است و قطعا با توجه به پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها، سازمان منطقه ویژه پارس به نمایندگی از وزارت نفت این آمادگی را دارد که مشارکت خود را استمرار بخشد.لازم بذکر است احداث جاده کمربندی کنگان که هم اکنون با پیشرفت ۷۰ درصدی در حال احداث است، پروژه بزرگراه‌های دیر - بوشهر و اهرم - گناوه از دیگر پروژه های حوزه راه سازی استان بوشهر است که با مشارکت سازمان منطقه ویژه پارس در حال انجام است و در این پروژه‌ها نفت همزمان با پیشرفت پروژه نسبت به انجام تعهدات خود اقدام می کند.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی بوشهر :

رفع ابهامات چگونگی اجرای مالیات بر ارزش افزوده



بخشنامه سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص رفع ابهامات نحوه اجرای مقررات چگونگی اجرای مالیات بر ارزش افزوده صادر شد.

به گزارش روابط عمومی منطقه ویژه اقتصادی بوشهر؛ دکتر عبدالله آورا، از ابلاغ پیوست بخشنامه سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص رفع ابهامات نحوه اجرای مقررات چگونگی اجرای مالیات بر ارزش افزوده و عوارض مربوطه در رابطه با مناطق ویژه اقتصادی خبر داد. مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی بوشهر به جزئیات پیوستی بخشنامه یاده شده اشاره کرد و افزود: در این بخشنامه فعالین اقتصادی مقیم مناطق ویژه اقتصادی که به عرضه کالا و یا ارائه خدمت موضوع قانون مالیات ارزش افزوده در محدوده مناطق اقدام می نمایند در زمره مودیان مشمول ثبت نام و اجرای قانونی مزبور محسوب نمی شوند. وی در ادامه عنوان کرد: در خصوص اجرای مقررات این قانون از جمله مطالبه و وصول مالیات و عوارض از خریداران در محدوده مناطق ویژه اقتصادی، تکلیفی برای آنان پیش بینی نگردیده است.

مدیرکل میراث فرهنگی استان بوشهر:

۵۰۰ اثر تاریخی در استان بوشهر شناسایی شد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: ۵۰۰ اثر تاریخی در استان بوشهر شناسایی شد.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد ابراهیم فروزانی در نخستین نشست انجمن‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر اظهار داشت: تلاش‌های ویژه‌ای به منظور شناسایی آثار تاریخی و ملی در استان بوشهر صورت گرفته است. وی به شناسایی ۵۰۰ اثر تاریخی در استان بوشهر اشاره کرد و ادامه داد: در راستای حفظ و نگهداری و بازسازی و مرمت این آثار نیز برنامه‌ریزی و تلاش‌های بالایی صورت گرفته است. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر اضافه کرد: استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد برای بهبود وضعیت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را در دستور کار داریم. وی با اشاره به راه‌اندازی انجمن‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در استان بوشهر، خاطرنشان کرد: امیدواریم با فعالیت این انجمن به اهداف مورد نظر دست یابیم. فروزانی اضافه کرد: یکی از مهمترین هدف‌های راه‌اندازی انجمن‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را می‌توان جذب مشارکت های مردمی برای حفظ آثار میراث فرهنگی دانست.

وی بافت تاریخی بوشهر را به عنوان یکی از ظرفیت‌های مهم میراث در استان بوشهر عنوان کرد و افزود: اهتمام ویژه‌ای در بین مسئولان استان بوشهر برای توجه به میراث فرهنگی وجود دارد.

مقاله
شماره ۷۸۸ - یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

نوشته ای از شادروان افشین پرتو

سرگیجه سیاسی انگلیس در مبارزه با دلیران جنوب ایران

در ماه هایی که تهران هر روز رنگی تازه می یافت، فارس با چشمی به تهران و با چشمی دگر به بوشهر می نگریست. فارس در آشوب بود و انگلیس هراسان از آن آشوب و گسترش آن به دیگر پهنه های سر نهاده بر جنوب ایران. از آن رو انگلیس بر پایه برآیند گفت وگو و پیمانش با فرمانفرما به تندی دست به کار شد و هسته نیرویی به نام «پلیس جنوب ایران» را در هند سازماندهی کرد و برای فرماندهی آن سرپرسی سایکس برگزیده شده و به هند فراخوانده شد. سرپرسی سایکس در ژانویه ۱۹۱۶/ دی ۱۲۹۴ خورشیدی به دهلی رسید و با سه افسر انگلیسی و سه افسر هندی راهی بندرعباس شد.

در روزهایی که سرپرسی سایکس راهی ایران بود، فرمانفرما به سبب ناخرسندی مردم از کرده های دولتش در ۵ مارس ۱۹۱۶ میلادی/ ۴ اسفند ۱۲۹۴ خورشیدی از نخست وزیری کنار گذارده شد و محمّدولی خان تنکابنی سپهدار اعظم بر جای او نشست تا پیگیر کارهای او باشد.

در ۱۶ مارس ۱۹۱۶ میلادی/ ۲۵ اسفند ۱۲۹۴ خورشیدی سرپرسی سایکس و همراهانش در میان پیشواز گرم دریابیگی فرمانروای بنادر جنوب ایران پا بر خاک بندرعباس نهاد و اردوگاهی در نایبند در پنج کیلومتری آن بندر برپا داشته و سربازگیری را آغاز کرد.

سرپرسی سایکس سرِ آمدن به فارس را داشت و از آن رو به پیشنهاد او دَولت انگلیس از سپهدار اعظم خواست تا فرمانفرما را به استانداری فارس برگزیده و به شیراز بفرستد. فرستادگان فرمانفرما در ۲۴ آوریل ۱۹۱۶ میلادی/ ۴ اردیبهشت ۱۲۹۵ خورشیدی به شیراز آمدند و توانستند در اندک زمانی با دریافت کمک از انگلیس، شورش ژاندارمری فارس را بخوابانند و شیراز را آرام سازند. شادی رسیدن خبر آرامش شیراز در برابر غم بزرگ شکست نیروهای انگلیس در ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ میلادی/ ۹ اردیبهشت ۱۲۹۵ خورشیدی در کوت العماره به تندی رنگ باخت. در نبرد کوت العماره چهار هزار سرباز انگلیسی کشته شدند و دوازده هزار تن در بند نیروهای آلمانی و عثمانی افتادند.

در پاسخ به کشتاری که کارگزاران فرمانفرما در شیراز برای آرام ساختن آن شهر به راه انداختند، سه انگلیسی و دو هندی به دست نگهبانان بومی خود در بندر لنگه کشته شدند. این رویداد سرفرماندهی انگلیس در بوشهر را برای باز پس گیری دربندیان دژ اهرم برانگیخت. برآیند سرگیجه سیاسی انگلیس به سبب رویدادهایی که در آن روزها رُخ داده بود، فرستادن دسته ای سرباز برای گشودن دژ اهرم و رها ساختن دربندیان بود. با راهی گشتن سربازان به سوی اهرم، زائر خضرخان به سرپرسی کاکس پیام داد که اگر نیروهای او از آمدن به سوی اهرم باز نمانند همه دربندیان را خواهد کشت و کاکس هراسان از برآیند آن پیام به تندی نیروهای خود را به بوشهر بازپس خواند.

شیراز آرام گشته بود و بوشهر در دست انگلیسی ها بود ولی میانه آنها در آن سرزمین دلِ دلبستگان به آزادی میهن و راندن بیگانگان و برانگیَختگان سیاست زخم خورده آلمان می سوخت.

سرپرسی کاکس کوشید تا پیش از رسیدن سرپرسی سایکس به فارس خود آن آتش را خاموش سازد و نام خود را شناسه آرامش جنوب ایران سازد. راه کدام بود؟ ... او راه را در بهره جویی از توان قوام الملک دید و از آن رو وی را یاری داد تا دگر باره پا به میدان نهاده و برآشفتگان را فروکوبد.

قوام الملک با نیرویی بزرگ و چند عراده توپِ گرفته شده از تُرک ها در بین النهرین که توپچیَ های هندی آتش آن ها را می افروختند رو به شمال نهاد. در بیرون بندرلنگه رهبران عشایر عرب باشنده ی آن دیار هراسان از آوازه ی آواز مرگ بار توپهای قوام



الملک سر به فرمان او نهاده و در پی او به لار تاختند و قوام الملک توانست ژاندارم های شورشی در لار را فروکوبد و شادمانه راهی شیراز شود. او هیچگاه به شیراز نرسید، چه آن که در میانه راه در هنگامه ی تاختنِ در پی غزالی از اسب به زیر افتاد و مُرد. نیروی او به فرمَاندهی پسرش به شیراز رسید و به نیروی فرمانفرما پیوست.

شیراز دیگر در دست خیزشیان نبود. دو سنگ آسیاب پدید آمده بودند. دستی می باید می بود تا آن را به چرخش درآورده و دانه خروش را که در میانه ی شیراز و بوشهر انبار شده بود، آرد کند. سرپرسی سایکس آمده بود تا آسیاب را به چرخش درآورد. وی در روزهای نخستین ماه مه ۱۹۱۶ میلادی/ اردیبهشت ۱۲۹۵ خورشیدی راهی کرمان شد و در میانه ی آن ماه به کرمان رسید. سرپرسی سایکس پس از به دست گرفتن همه سویه ی ولایت کرمان برآن شد که نیروی پدید آمده ی همراهِ خود را به شناسایی رسمی دولت ایران برساند و بر پایه ی پیشنهاد او بود

که دولت انگلیس در ژوئیه ی ۱۹۱۶ میلادی/ تیر ۱۲۹۵ خورشیدی از ایران خواست تا بر بودن نیروی پلیس جنوب مُهر پذیرش بزنند.

پیشنهاد انگلیس درگیری نهان میان گردانندگان ایران را نمایان ساخت. سپهدار اعظم که گوش به فرمان روسیه داشت به اشاره ی آنان پذیرنده ی خواست انگلیس بود و مجلس برپایی آن را اشغال رسمی ایران می دانست و بر آن پایه بود که ایران پاسخی آشکار به خواسته ی انگلیس نداد.

سرپرسی سایکس بی آن که دل به پاسخ ایران بندد در ۲۸ ژوئیه ی ۱۹۱۶ میلادی/ ۶ مرداد ۱۲۹۵ خورشیدی راهی یزد شد. به راه افتادن نیروی زیر فرمان سایکس به سوی یزد، دولت ایران را به هراس انداخت و سپهدار اعظم بی آن که احمد شاه بپذیرد در ۵ اوت ۱۹۱۶ میلادی/ ۱۴ مرداد ۱۲۹۵ خورشیدی پذیرای خواسته ی انگلیس شد و پذیرش رسمی آن را به گشوده شدن مجلس تازه سپرد. تهران در آتش درگیری و هراس می سوخت که در ۱۴ اوت۱۹۱۶/ ۲۳ مرداد ۱۲۹۵ سرپرسی سایکس به یزد رسید.

در روزهایی که سایکس از جنوب رو به سوی میانه ی ایران می آمد نیروهای روسیه پذیرای چند شکست از نیروهای عثمانی که از سوی آلمانی ها پشتیبانی می شدند در باختر ایران شده بودند. شکست نیروهای روسیه از ترک ها، پیش آمدن ترک ها تا قزوین و پذیرش خواسته ی انگلیس برای رسمیت یافتن نیروی پلیس جنوب از سوی سپهدار اعظم، احمدشاه را به واکنش واداشت و در ۱۲ اوت ۱۹۱۶ میلادی/ ۲۱ مرداد ۱۲۹۵ خورشیدی ـ دو روز پیش از رسیدن نیروهای سایکس به یزد ـ وی سپهدار اعظم را از نخست وزیری برکنار کرد و فردای آن روز وثوق الدوله را به نخست وزیری برگزید. وثوق الدوله کوشید تا کابینه ی خود را به گونه ای سازمان دهد که تنی چند از ملّی گرایان نیز در آن باشند و در فردایی که امکان توان یابی دگر باره ی آلمان بود بی هراس بماند. خواسته ی وثوق الدوله با خواسته ی روسیه و انگلیس سازگار نبود.

روسیه از پیش روی ارتش متحدین در باختر ایران و در میان افتادن اصفهان ـ کانون توان ارتش روسیه در ایران ـ به دست جنگ آوران بختیاری هراسان بود. بر آن پایه ژنرال باراتف فرمانده نیروهای روسیه در ایران با رسیدن سرپرسی سایکس به یزد از او خواست تا به تندی راهی اصفهان گشته و با پیوستن به او در کنار رها ساختن اصفهان از دست در میان گیرندگان بختیاری، هم پای آنان راهی تهران گردد.

سایکس می دانست که کلید گشودن فارس در گام نخست و دروازه پاسداری از فارس در گام دگر دستیابی به اصفهان است. از آن رو به تندی با نیروهای خود راهی اصفهان شد. به راه افتادن سایکس به سوی اصفهان از توان وثوق الدوله برای برپا داشتن کابینه ای بدان گونه که می خواست کاست. برآیند ناتوانی وثوق الدوله در برپایی کابینه، کنار رفتن او در ۲۲ اوت ۱۹۱۶ میلادی/ ۳۱ مرداد ۱۲۹۵ خورشیدی و نخست وزیری یک روزه علاءالسلطنه در تهران بود. علاءالسلطنه نتوانست گروهی را در آن روزهای پر آشوب برای گرداندن کارهای کشور گِرد آورد و به تندی خود را از کار کنار کشید و در همان روز وثوق الدوله پس از گفت وگویی با سفیران روسیه و انگلیس و پذیرش گام پس نهی از سیاست پیشین خود و دل سپردن به توان آن دو دولت، دگرباره نخست وزیر شد.

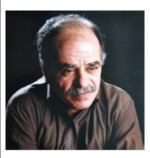
وثوق الدوله مردی هوشیار بود و روزها را به خوبی می شناخت، آن چنان که خود و فردایش را می شناخت. وی در ۵ سپتامبر ۱۹۱۶ میلادی/ ۱۴ شهریور ۱۲۹۵ خورشیدی در یادداشتی به سر چارلز مایرلینگ نوشت که: ایران پلیس جنوب را به رسمیت می شناسد با این شرایط که کار فرماندهی و کنترل آن و نیروی قزاق به کارشناسان و افسران کشور سومی سپرده شود و روسیه و انگلیس در امور ایران مداخله نکنند و هر دو دولت بپذیرند که پس از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران خارج کنند.

خواسته وثوق الدوله در آن یادداشت به تندی از سوی انگلیس رد شد و سایکس در ۱۱ سپتامبر۱۹۱۶ میلادی/ ۲۰ شهریور ۱۲۹۵ خورشیدی به اصفهان رسید. کمربند میانه ایران بسته شد. راه میان پایتخت لرزان و شیراز هراسان در دست سایکس بود و فارس سنگینی سنگ فرازین آسیاب را بر شانه خود حس می کرد.

ایستادگی وثوق الدوله به درازا نکشید. ناتوانی مالی کشور و چیره بودن بیگانگان بر هر پاره ای از ایران، او را از دستیابی به خواسته اش بازداشت. وی نیز پذیرفت که پلیس جنوب ایران رسمیت یابد. اکنون زمانه تازش به فارس فرا رسیده بود.

راپورت های مسترچیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول (۴۳)

کمبود مواد غذایی و احتمال پیش آمدن قحطی در فارس



گزارشات هربرت چیک ویس
کنسول انگلیس در بوشهر
ترجمه : افشین پرتو
منبع: دانشنامه بوشهر

پنج شنبه ۱۲ مارس ۱۹۱۷

بهار در راه است و ایرانی ها آماده ی استقبال از نوروز هستند، ولی گویا همه چیز در حال تغییر است. نیروهای ما در بین النهرین شکست سختی بر ارتش عثمانی وارد کرده اند و ارتش روسیه نیز در غرب ایران پیروزی هایی به دست آورده. رسیدن نیروهای ما به بغداد و احتمال سقوط آن شهر، حکومت نظام السلطنه ی مافی در کرمانشاه را فرو ریخته و سردمداران آن برای رهایی از محاصره برخی به مناطق مختلف ایران و برخی به استانبول و شماری نیز به آلمان گریخته اند.

فتح بغداد، سقوط حکومت نظام السلطنه ی مافی، دستیابی ارتش روسیه به راهگذر زاگرس آشوب های برپا در فارس را فرو خوابانده و فرو خفتن آشوب فارس سر و صدای بوشهر را خاموش ساخته. آرامش شگفتی پدید آمده است. نمی توان به آن دل بست.

پنج شنبه ۱۹ مارس ۱۹۱۷

در میانه ی جنگ عجیب ترین رویداد پیش آمد. نیکلای دوم از پادشاهی بر روسیه کنار نهاده شد. در خبرهاست که شاهزاده ای به نام لووف از ۱۵ مارس گرداننده ی امور روسیه شده است. با تغییر حکومت در روسیه، هر چند که نیروهای روسیه هنوز در میدان جنگ حضور دارند، ولی سنگینی بار دفاع از مواضع این سوی دنیا را بر دوش ما نهاده شده است.

خبر کنار رفتن نیکلای دوم از سلطنت جهان را دگرگون کرده و به ناگهان همه ی رویدادها را تحت تاثیر خود قرار داده است. گمان می کنم خموشی و سکوت غریب چیره بر بوشهر نیز متاثر از آن باشد. دیشب در دیدارم با کنسول روسیه در بوشهر وی را هراسان دیدم. در مقابل پرسشم از او که تا چه حد می توان این تغییر را جدی گرفت، آهی کشی و گفت: تا آن حد که باید منتظر همه جیز بود. احساس می کردم آماده ی اسباب کشی است.

پنج شنبه ۲۶ مارس ۱۹۱۷

تغییر و تحول کاملا حس می شود. لحن مقامات دولت لندن و فرمان روایی هند و سفارت ما در تهران تغییر یافته است. در تلگرامی از مایرلینگ دستور یافتم که کاملا با توجه به تغییرات احتمالی در تهران بر اساس نتایج حاصله از تغییر حکومت در روسیه، مواظب امور باشم و از هر تصمیمی برای دگرگونی در سیاست های پیشین ما خودداری کنم. خبرها حاکی از حمایت ضمنی وثوق الدوله از فعالیت های سایکس در آرام سازی اوضاع فارس و وعده ی کمک کامل فرمانفرما به سایکس در این راستا است.

خبرآورها خبرهایی از کمبود مواد غذایی در برخی از مناطق فارس و احتمال پیش آمدن قحطی در فارس دارند و گزارش ارسالی در این باره به هند، سبب اقدام سریع فرمانروایی هند به ارسال مواد غذایی شده و از ما خواسته اند که سریعا بندر بوشهر را آماده ی تحویل و تخلیه ی مواد ارسالی و عبور دادن آن به سوی شیراز نماییم. ژنرال داگلاس مامور شده با همه ی نیروی خود در ایجاد امنیت در مسیر راه بوشهر به شیراز اقدام نماید.

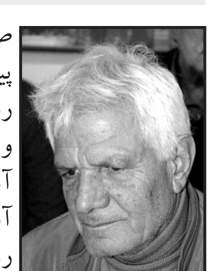
پنج شنبه ۹ آوریل ۱۹۱۷

هفته ی گذشته نیروهای روسیه خود را به بین النهرین رساندند و در کنار نیروهای پیش رونده ی ما قرار گرفتند. خبرها حاکی از ناتوانی نظامی روس هاست. ناتوانی روس ها از دخالت شان در تهران و در کارهای دولت ایران کاسته است. دو روز پیش ژنرال باراتف از سرفرماندهی نیروهای روسیه در ایران کنار نهاده شد و مقام او به ژنرال پاولف سپرده شد. لووف از مقام خود کنار رفته و اداره ی امور روسیه به کرنسکی سپرده شده و کرنسکی برآن است که روسیه را از جنگ خارج کند. بحران های بالا گرفته در قفقاز سبب فراخوانی بخشی از نیروهای روسیه در ایران به روسیه برای تقویت جبهه ی قفقاز شده و باراتف با بخشی از نیروهای خود به همین منظور آماده ی رفتن از ایران است. سستی ارتش روسیه جبهه ی ایستادگی در غرب را ضعیف می کند ولی فرصت مناسب را به ارتش ما برای تسلط بر غرب و مرکز و جنوب ایران می دهد.

رویدادهای روسیه و اثراتش بر ایران، فارس را وارد دوره ی جدیدی نموده است. باید از این فرصت برای تسلط کامل بر فارس استفاده کرد.

دمیدن روحیه پرسش گری و امیدواری در بین دانش آموزان

ناصر علیخواه



صاحب نظران یکی از دلایل پیشرفت جوامع توسعه یافته را وجود روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی در بین دانش آموزان و سیستم آموزشی آن کشورها می دانند. همین روحیه پرسشگری و حس کنجکاوی است که باعث می شود دانش آموزان از همان روزهای نخست، همراه با یادگیری دروس خود، موضوعات درسی را با چشم و گوش بسته نپذیرند بلکه نسبت به آنها با روحیه انتقادی و پرسشگری مواجه بشوند و همین موضوع مهم در سیستم آموزشی به آنها کمک می کند که در بزرگسالی نیز، نسبت به وضع موجود جامعه خود راضی نباشند و همواره سعی کنند تا وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... را به جلو ببرند و در گذشته نمانند.

چنانچه به سیستم آموزشی کشور خودمان نگاه کنیم به سادگی در می یابیم که روحیه پرسشگری و حس کنجکاوی و دیدگاه انتقادی تا اندازه بسیار زیادی در بین دانش آموزان از بین رفته و نادیده گرفته شده است. معمولا پرسش های دانش آموزان برای بهتر توضیح دادن موضوع درسی است و نه در چرائی و علت و دلایل آن.

نظام آموزشی هر کشور به عنوان یک نظام پویا و هدفمند، در تولید و رشد علمی نقش بسزا و سازنده‌ای را ایفا می‌کند و در صدد افزایش تولید دانش می‌باشد. در عصر دانش و نوآوری که منبع اصلی رقابت اقتصاد جهانی است نظام آموزشی هر کشور در تلاش است تا دانش تولید شده را در جهت افزایش نوآوری بر عهده گیرد.

همه می دانیم که دانش‌آموزان منبع اصلی تولید دانش هستند و اصلی‌ترین دارایی‌ها به شمار می‌آیند، می‌بایست به شیوه مناسب بر دانش آنها مدیریت شود و تلاش کرد دارایی‌های نهفته در ذهن آن‌ها کشف شود تا این گنج به دارایی‌های با ارزشی تبدیل گردد. برای کسب دانش صرفاً آموزش و حضور فیزیکی در مکان‌های آموزشی مهم نیست بلکه با شیوه های گوناگون باید بر علم و دانش آنها بیافزاییم. از جمله این راهها تقویت روحیه پرسشگری در دانش آموزان است.

در کودکان پرسش کردن، آغاز تفکر و آگاهی است. بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت عقیده دارند، پرسش خوب و درست، نصف پاسخ است. برخی نیز معتقدند، پایه و اساس هر اکتشافی، یک پرسش اساسی و بنیادی است. پرسشگری از جمله مهارت های مؤثری است که راه به پاسخ و یقین می برد و نهادینه کردن این رسم نکو، به معنای دست گیری مخاطبان برای رسیدن به سر منزل مقصود در جاده ی تعلیم و تربیت است.

هم سؤال از علم خیزد هم جواب
همچو خار و گل که از خاک است و آب

به راستی اگر بتوانیم فرزندانمان را به مهارت پرسشگری مجهز کنیم و به آن ها بیاموزیم که طرح پرسش، کلید دست یابی به پاسخ های بزرگ است، راه پر پیچ و خم آموختن را برایشان هموار کرده ایم. زیرا داشتن پرسش، به واقع مجهز کردن آنها به چراغی است که با آن می توانند جاده های تاریک را با نور دانش آسوده تر در نوردند. پرسش چراغی است در دست دانش آموزان برای عبور از کوچه های تاریک نادانی تا رسیدن به صبح روشن دانایی. این اعتبار تا بدان جا رسیده است که منزلت آدمیان را به پرسش هایی می دانند که در دل و دیده اش موج می زند، نه فقط پاسخ هایی که در ذهن دارد! بنابراین، این حکمت مشهورکه «علاج دانایی پرسش است»، جای بسی تأمل دارد. واژه ی «علاج» در حکمت فوق به معنای راه چاره است. بدین مفهوم که چاره ی دانایی، پرسش کردن است. بنابراین باید «پرسید» تا به کامروایی «دانستن» رسید.

شاید دکتر روحانی رئیس جمهور نیز با پی بردن به همین نقیصه در سیستم آموزشی بود که در جشن آغاز سال تحصیلی جدید، دانش آموزان را به پرسشگری تشویق کرد.

دکتر روحانی در این آئین خطاب به دانش آموزان سراسر کشور گفت: از همه چیز سوال کنید زیرا اساس و پایه یادگیری، علم، پیشرفت و ترقی، سوال است. هیچ وقت از سوال کردن خجالت نکشید و هیچ دانش آموزی، دانش آموز و همکلاسی و دوست خود را به خاطر اینکه مثلا سوالی که دقیق نبوده و یا به جا نبوده است، مسخره نکند بلکه باید همه همدیگر را تشویق به سئوال کنیم .

وی گفت: درباره همه چیز سوال کنید که مثلا چرا پایان ثلث باید این طور باشد و یا محیط زیست ما چرا اینگونه شده است؟

آقای روحانی افزود: دانش آموزان به مدرسه نمی آیند که فقط کتاب درسی را بخوانند و یا تکلیف منزل را انجام دهند و چیزی یاد بگیرند و در پایان سال امتحان بدهند و به کلاس بالاتر بروند. بلکه دبستان باید محیط شناخت دنیا ، جهان و کشورتان باشد و فکر کنید که آینده زندگی را چطور باید بسازید. اگر با سوال کردن جامعه و محیط زیست خود را بهتر بشناسیم و با تحقیق و کندوکاو روی زندگی عادی خود و عملکردمان جامعه را بهتر بشناسیم می توانیم آینده خود را روشن تر و مستحکم تر بنا کنیم.

رئیس جمهور گفت: اگر سوال کنید که پدران شما اجداد شما، شهدا و ایثارگرانی که برای جامعه مان و کشورمان جنگیدند و تلاش های علمی کردند و زحمات فراوان کشیدند برای ما چه کار کردند؟ می توانید با دیدی بازتر و فکری دقیق تر آینده بهتری برای خود متصور شوید همه چیز در گرو علم و دانش است.

روحانی ادامه داد: باید بدانید آینده شما علم و خدمت شما از همین کلاس ها، سوال ها، گفتگو ها و بحث ها ساخته می شود پس این فرصت را قدر بدانید زیرا بهترین سالهای زندگی شماست.

رئیس جمهور در این سخنان خود، موضوع مهم و حیاتی کشور را که توافق هسته ای هست نیز از یاد نبرد و در این باره به دانش آموزان گفت: دختران من پسران من تمام دانش آموزان این مرز و بوم همه ۱۳ میلیون دانش آموزی که امسال و امروز به مدرسه می روید و تحصیل خود را آغاز می کنید همه دانشگاهیان باید بدانید با تلاشی که دولت انجام داده و تلاش دیپلمات های ما در مذاکرات هسته ای و موفقیت های حاصل از آن سبب شده که الان فضای جدیدی پیش روی کشور ما قرار بگیرد. حالا توقع داریم تمام غل و زنجیر هایی که به دست و پای کشورمان بسته بود باز شود تا بتوانیم با استفاده از فرصت های بدست آمده، پیشرفت بهتری داشته باشیم زیرا به دنبال پیشرفت می توان زندگی حال و آینده را متحول ساخت.

دکتر روحانی در ادامه سخنانش در مراسم آغاز سال تحصیلی درباره «پرسش مهر» امسال افزود: شما دانش آموزان عزیز که سرمایه اصلی کشور هستید پاسخ دهید که پس از توافق هسته ای فرصت های جدید پیش روی ما از نظر علمی، فناوری، محیط کار، اقتصاد و روابط با همسایگان و دنیا چیست؟

وی اضافه کرد: پس از توافق هسته ای شرایط بهتری که باید در زندگی داشته باشیم از نظر رفع مشکلات در عرصه های محیط زیست، آب و خاک، اشتغال و مسائل جوانان چیست و چگونه باید به بهترین وجه از این فرصت استفاده کنیم.

بیان این سخنان صریح و شفاف از سوی رئیس جمهور دولت تدبیر و امید، حجت را بر مسئولان کشور و مدیران آموزش و پرورش و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت تمام کرد و الان نوبت آنهاست که عرصه را در سال جدید تحصیلی برای پرسشگری دانش آموزان ایجاد کنند تا ضمن ایجاد و تقویت روحیه پرسشگری و انتقادی آنها، فضای جدیدی را در سیستم آموزشی کشور تجربه نمایند.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر:

۱۶۵۰ کولر گازی در کلاس‌های درس استان بوشهر نصب می‌شود

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: با برنامه‌ریزی انجام شده در سال تحصیلی جدید با تامین یک هزار و ۶۵۰ کولر گازی تمام کلاس‌های درس این استان به سیستم خنک کننده مجهز می‌شود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، ناصر کرمی در جمع نمازگزاران جمعه بوشهر با تبریک سال تحصیلی جدید اظهار داشت: کارگروه همدلی و همزبانی با نظام تعلیم و تربیت در پروژه مهر ۹۴ این استان تشکیل شده است.

وی با بیان اینکه تعلیم و تربیت در استان بوشهر ساماندهی می‌شود افزود: در قالب کارگروه یاد شده مشارکت‌های علاقه مندان به کمک به امر تعلیم و تربیت در استان بوشهر ساماندهی می‌شود.

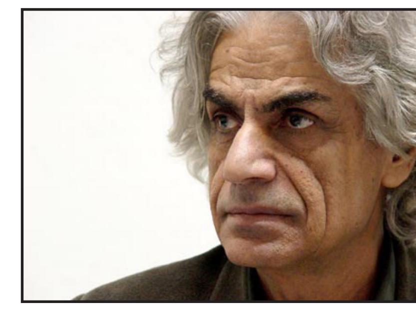
مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر با بیان اینکه برای سال تحصیلی جدید امکانات مورد نیاز مدارس پیش بینی شده تصریح کرد: با برنامه‌ریزی انجام شده امسال تمام تجهیزات کلاس‌های درس مدارس شامل میز و نیمکت نوسازی می‌شود که در این حوزه ۳۰ میلیارد ریال مصوب شده است.

کرمی با اشاره به تجهیز کلاس‌های درس به کولر گازی بیان کرد: در سال تحصیلی جدید با تامین یک هزار و ۶۵۰ کولر گازی تمام کلاس‌های درس این استان به سیستم خنک کننده مجهز می‌شود.

وی با بیان اینکه سال تحصیلی جدید را دانش‌آموزان کلاس اولی در ۳۱ شهریور آغاز می‌کنند بیان کرد: ۱۸۰ هزار و ۲۱۸ دانش آموزان استان بوشهر در مهرماه در چهار مقطع، سال تحصیلی جدید را در یک هزار ۸۲۱ مدرسه آغاز می‌کنند.

ادب و هنر
شماره ۷۸۸ - یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

علی باباچاهی



کولی ها سر زده می آیند و در همه جا سر می کشند
۵ گل ارغوان به جامه ی او می بخشند
آویشن و زعفران به جامه ی او می بخشند
پونه و ریحان به جامه ی او می بخشند

کولی ها از شب اسپانیا
از بر اعراب سبز چشم می آیند
با غزلی رنگ رنگ می آیند

ساعت ۵ عصر
آتش می بافند / جامه ی او می بافند

جامه ی او در به در هیچ غمی نیست بجز زیر و بم رنگ ها
آتش ابریشمی ست جامه ی او / شبنم آتش گرفته است جامه ی او
لانه ی دو گرگ گرسنه ست / جای دو خرگوش فراری
گمشده ای دارد این جامه ی کولی وار
نام و نشان او را کولی ها می دانند
با پر افروخته سر می رسند
ساعت ۵ عصر صدا می زنند نام کسی را
کولی ها کولی ها کولی ها --
کولی و آتش / آتش و این .... (۸۸ و ۸۹)

از کتاب "منزل های دریا بی نشان است" (چاپ دوم) در مجموعه اشعار, انتشارات نگاه
بخشی از شعر ساعت آن ها / ساعت لورک

بررسی خیام خوانی و خوانش رباعیات حکیم خیام در بوشهر

برگزاری نشست مشترک فرهنگی هنری واحد آموزش و پژوهش و واحد موسیقی حوزه ی هنری. به منظور ارتباط بیشتر و موثر هنرمندان و اهالی فرهنگ و قلم با فعالیت ها و فعالان عرصه ی آفرینش های هنری در استان، نشستی با حضور اهالی فرهنگ و هنر و اساتید رشته ی ادبیات در سالن جلسات حوزه ی هنری برگزار شد.
موضوع این نشست خیام خوانی و خوانش رباعیات حکیم خیام بود. در ابتدای این نشست حماسه ی حق پرست از فعالان عرصه ی موسیقی بوشهر توضیحاتی پیرامون پیشینه ی تاریخی و خاستگاه اجتماعی خیام خوانی در بندر بوشهر ارایه نمود. حماسه حق پرست با اشاره به نقش و تاثیر ضبط آثار موسیقیایی در طول تاریخ چه در عرصه ی موسیقی ملی و ردیف دستگاهی و چه در عرصه ی بومی و موسیقی مقامی موارد مربوط به خصوصیات داشته های شنیداری امروز را در این زمینه برشمرد. وی اضافه کرد که خیام خوانی در بوشهر به دلیل قرابت عاطفی و خلقیات زیست اجتماعی مردم بوشهر، رباعیات حکیم خیام را در متن و بطن یک زندگی در یک جغرافیا، با نمودی موسیقیایی روایت می شود.خیام خوانی در آواز افشاری که در درجه ی چهارم شور اجرا می شود و در روندی بالارونده و سیر نغمگی و ملودیک در درجه ی چهارم افشاری/می کرن و فا/در گوشه ی عراق آواز افشاری و گاهن با اشاره به یک نت بالاتر خوانده و نواخته می شود.
در ادامه ی این گفتار، مسئول واحد موسیقی حوزه ی هنری، حسام حق پرست با تار نوازی خود خیام خوانی را اجرا نمود.حسام حق پرست با درآمد افشاری آغاز کرد و با اشاره به گوشه ی جامه دران و ضربی افشاری به گوشه ی عراق و اجرای خیام خوانی و خیام نوازی پرداخت و در ادامه محسن حیدریه از هنرمندان و نوازندگان موسیقی بوشهر سه رباعی خیام را با ساز تار همراهی نمود و به خیام خوانی پرداخت.

ابراهیم سنگابی هنرمند و خواننده بوشهری در مصاحبه با هفته نامه نسیم جنوب:
خواننده شاد بوشهری از شونشینی تا خندوانه

مصاحبه از سمیرا مرادی

ابراهیم سنگابی خواننده بوشهری مدت زیادی نیست کار خودش را به صورت حرفه ای شروع کرده و اولین آلبومش را وارد بازار نموده است،او از کنسرت های کارگاهی سال ۸۷ کار خودش را شروع کرد تا وقتی که سال ۹۲ با تک آهنگ «هله هله ناخدا» از طریق تلویزیون به مردم معرفی شد، او تنها راز موفقیت خودش را مشورت کردن در تمام کارهایش و بزرگترین ضربه و لطمه زندگیش را در ادامه ندادن تحصیلش می داند. مردی بی ادعا، که تمام تک آهنگ های خود را با وجود این که می توانست عکس خود را بگذارد اما بیشتر اوقات طراحی کرد و همین بی ادعا بودنش باعث شد یکی از طرح های آهنگش عنوان برگزیده جشنواره گرافیک را به خود تعلق دهد و در کتاب گرافیک هم چاپ شود. تا این که کاری تحت عنوان «خندوانه» برای برنامه پر طرفدار خندوانه شبکه نسیم ساخت و همین بهانه ای شد که برای مصاحبه به سراغ ایشان برویم.

- اگر بخواهید ابراهیم سنگابی را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید چطور معرفی می کنید؟
- سلام، ابراهیم سنگابی هستم متولد ۱۳۵۶ محله شنبدی بوشهر.
- چطور و از کجا وارد دنیای موسیقی شدید؟
- کارم را به صورت حرفه ای از آموزشگاه مهر آهنگ سال ۸۷ شروع کردم و کم کم کارهایم را ساخته ام و وارد رادیو بوشهر و بعد وارد تلویزیون بوشهر و بعد از آن وارد شبکه سراسری یک و دو و سه ... شدم تا الان که در خدمت شما هستم.
- چرا وارد عرصه خوانندگی شدید؟
- به خاطر علاقه ای که از بچه گی به خوانندگی داشتم وارد عرصه خوانندگی شدم.
- پس چرا دیر شروع کردید؟
- ابتدا بخاطر این که پسرها دو سال را به سربازی می روند (خنده) و قبل از آن هم درگیر درس و مدرسه و در زمان ما این چنین به موسیقی توجه نمی شد که الان به آن توجه می کنند.
- خانواده با ورود شما به دنیای موسیقی مخالفتی نداشتند؟
- نه صد در صد موافق بودند و همیشه همراهم بودند.
- چه کسانی در این راه به شما کمک کردند؟
- اولین کسی که در این راه به من کمک کرد آقای محمد اسماعیل روشن روان بود بعدش که با بچه های واحد موسیقی صدا و سیمای بوشهر آشنا شدم مثل آقای اکبر ابراهیمی، و معرف اصلی من به صدا و سیمای بوشهر آقای محسن شریفیان بودند که کارهای من را شنیده بودند و من را به صدا وسیما معرفی کردند.
- چه کسی برای اولین بار شما را کشف کرد؟
- آقای احسان محمدی استاد گیتارم که برای اولین بار من را به استیج بردند و در تلویزیون آقای محسن شریفیان.
- سختی هایی که در کار برای شما پیش آمد چه چیزی بود؟
- یکی از سختی های کار، شغل من هست که شغل آزاد دارم و تمام، وقت من را می گیرد.
- الگو شما در خوانندگی چه کسی است؟
- از کسی الگو نمی گیرم فکر کنم از کارهایم هم مشخص است ولی از پشتکار آقای شریفیان خوشم می آید.
- شما سبک خاصی برای خودتان دارید؟
- بله کارهای من ترانه های محلی با موسیقی پاپ هست یعنی من پاپ کار می کنم با ترانه های محلی یک کار تلفیقی هست.
-چقدر با کارهایتان بوشهر را معرفی کردید؟
- من همیشه به هر برنامه ای دعوت می شوم هم موسیقی و هم یک هدیه از بوشهر به سوغات می برم و چون بیشتر کارهای من مجوز آرشیو و پخش سراسری دارند هر وقت آهنگی از من می خواهد پخش شود نمی گویند یک آهنگ بندری یا یک آهنگ جنوبی بشنوید می گویند یک آهنگ بوشهر از ابراهیم سنگابی بشنویم و این باعث افتخار من است.
- کدام یک از آهنگ های خودتان را بیشتر از همه دوست دارید؟
- یکی از کارهایم کار «دعای بارون» که خودم خیلی دوست دارم و «هوای خوار» البته بقیه کارها هم خوب است ولی این دو کار طرفدارهای بیشتری دارد.
- چند آلبوم روانه بازار کرده اید؟
- یک آلبوم به صورت رسمی به اسم «هوای خوار» که فروردین همین امسال منتشر شد و قبلا بیشتر تک آهنگ کار می کردم.
- تلویزیون و رادیو چه نقشی در دیده شدن شما داشته است؟
- بیشتر مردم با رادیو خیلی بهتر و راحت تر ارتباط برقرار می کنند، تاثیر رادیو بیشتر از تلویزیون بوده است.
- شعر ترانه، چقدر می تواند در اثر تاثیر بگذارد؟
- خیلی و بعضی از ترانه هایی را که خودم می نویسم صددرصد به یک شاعر می دهم تا روی آن کار کند تمام ترانه هایی که گفته ام رامی دهم تصحیح کنند حتی اگر از نظر خودم هیچ نقصی نداشته باشد. بیشتر آقای حسین نوری فیروزی و حامد کاوه یان که بیشتر کار آلبوم را خودشان سروده اند، شعرهای من را تصحیح می کنند.
- از خندوانه برایمان بگویید چطور به فکرتان رسید که برای خندوانه آهنگ بسازید؟



همیشه به هر برنامه ای دعوت می شوم هم موسیقی و هم یک هدیه از بوشهر به سوغات می برم و چون بیشتر کارهای من مجوز آرشیو و پخش سراسری دارند هر وقت آهنگی از من می خواهد پخش شود نمی گویند یک آهنگ بندری یا یک آهنگ جنوبی بشنوید می گویند یک آهنگ بوشهر از ابراهیم سنگابی بشنویم و این باعث افتخار من است.

- چون در خندوانه شخصیت جناب خان خیلی آهنگ های جنوبی می خواندند و من کار بومی دارم که کار تلفیقی هست دوست داشتم کارم من را هم بخوانند و با آقای رامبد جوان آشنا شدم که بعد به ذهنم رسید که چرا خودم یک آهنگ نسازم که باعث شد کار «خندوانه» را بسازم و آقای رامبد جوان هم با این که خیلی سرش شلوغ بود و خواننده های زیادی و معروف تر از من هم با ایشان همکاری می کردند، کار من را پسندیدند و پخش کردند.
- انگیزه شما از ساختن این کار چه بود؟
- خندوانه برنامه پرطرفداری بود و خودم هم خیلی دوست داشتم و دنبال می کردم و مخصوصا چون در آن به اسم جنوب و جنوبی و بوشهر خیلی اشاره می شد دوست داشتم من هم نقشی در کار داشته باشم
- چه کسانی در این کار با شما همکاری می کردند؟
- آقای میلاد بهشتی به عنوان تنظیم کننده کار و آقای ساسان نوذری به عنوان صدابردار و آقای حامد کاویان هم که شعر را تصحیح کردند. دو کلیپ داشت که یکی در تهران پر شد و یکی هم در بوشهر که آقای شاکری زحمت کشیدند و بچه های قایقرانی در اسکله جفره و کار را ضبط کردیم و هر دو پخش شده و الحمدالله راضی هم بودند.
- عکس العمل رامبد جوان چه بود؟
- در برنامه مشخص بود عکس العمل رامبد جوان و هم، کسانی که آنجا حضور داشتند و ما یک گوش ماهی به برنامه و جناب خان هدیه داده بودیم که به جناب خان گفته بودیم هر وقت دلت برای دریا تنگ شد گوش ماهی را کنار گوشت بگیر صدای دریا را می شنوی و همین باعث شد که موضوع برنامه کلاً بوشهر بشود.
- بهترین روز زندگی ابراهیم سنگابی چه روزی هست؟
- بهترین روز زندگی من روزی بود که کلیپ من برای اولین بار خارج از استان در شبکه یک پخش شد و جدیدترینش هم پخش آهنگ خندوانه در برنامه خندوانه بود.
- کاری هم ساختید که بعد از انتشارش متوجه شده باشید که خوب نبوده و از آن راضی نبودید؟
- بله کارهای اولیه ام که ساخته بودم و تجربه نداشتم از آن ها راضی نبودم و خیلی متاسفم که هنوز در آرشیو هستند.
- شما دیر شروع کردید یا دیر معرفی شدید؟
- من دیر شروع کردم در آن زمانی که ما شروع کردیم موسیقی پاپ جایگاه الان را نداشت و حتی برای آموزش ساز زدن در آن دوران آموزشگاه خاصی نبود و تقریبا در ده سال اخیر است که پای آموزشگاه های موسیقی به بوشهر باز شده است.
- هزینه ساخت کارهایتان را از کجا تامین می کنید؟
- هزینه ساخت به عهده اسپانسر کار آقای بحرینی است.
- هر وقت ناراحت یا ناامید می شوید چه چیزی به شما روحیه می دهد؟
- من هر وقت ناراحت یا ناامید می شوم تا به امروز هر وقت مردم من را جایی دیدند و به من گفتند که آقای سنگابی ما کار شما را از رادیو یا تلویزیزن شنیدیم خیلی خوب بود ادامه بدهید، به من روحیه می دهند و باعث می شوند به راهم ادامه بدهم.
- کجاها حاضرید رایگان اجرا کنید؟
- من برنامه های زیادی را رایگان اجرا کرده ام مخصوصا برای بهزیستی و باز هم اگر فرصت شد حتما انجام می دهم.
- چه چیزی باعث می شود که شما دست از ادامه کار برندارید؟
- خب بیشتر از همه عکس العمل مردم که باعث می شود من کارم را ادامه بدهم و وقتی کار دیده بشود و مخاطبان آن را بپسندند چرا کارم را ادامه ندهم.
- گرمی هوای بوشهر تاثیری هم روی گرمی موسیقی بوشهری دارد؟
- بله صد در صد هم روی موسیقی و هم روی ترانه کار تاثیر دارد مثل کارهای خودم.
- دوست دارید با چه کسی اجرای مشترک داشته باشید؟
- به خاطر موسیقی که من کار می کنم هم پاپ و هم محلی. کار تلفیقی هست دوست دارم با محسن شریفیان اجرای مشترک داشته باشم.
- از چه چیزی در زندگیتان فرار می کنید؟
- دروغ، که سرمنشأ تمامی گناه ها و بدی ها است.
- نقطه ضعف شما کجاست؟
- کم رویی من هست.
- چه زمانی عصبانی می شوید؟
- وقتی همه کارها جور نباشد.
- اشاره کردید که ترانه هم می گویید کدام کار ترانه اش را خودتان گفته اید و خیلی دوستش دارید؟
- «افق بوشهر» تیتراژ پایانی شونشینی.
- درآمد خوانندگی در بوشهر خوب هست؟
- خیر، چون درآمد خوانندگی به تولید آلبوم نیست و به برگزاری کنسرت هایش است.
- بهترین هدیه ای که تا به حال گرفته اید؟
- در آن زمان که تازه وارد موسیقی شده بودم خیلی دوست داشتم که آهنگ ها را از دستگاه ام پی پلیر(mp pelyr) گوش کنم و یکی از آن ها را داشته باشم که همسرم یکی از آنها را به من هدیه داد که خیلی خوشحال شدم.
- کاری از خواننده ای شنیده اید که دوست داشتید شما خوانده باشید؟
- بله کارهای کوروش یغمایی.
- شما چطور وارد صداوسیمای بوشهر شدید؟
- من یک تک آهنگ به اسم «هله هله ناخدا» گذاشته بودم در سایت، که آقای شریفیان کار را شنیده بودند و من را پیدا کردند و با من تماس گرفتند تا آن موقع ما هیچ برخوردی با هم نداشتیم و من ایشان را از نزدیک نمی شناختم و وقتی با من تماس گرفتند ترسیدم که شاید اشکالی در کار بوده باشد یا شاید کار من مشابه کار ایشان بوده، که ایشان گفتند خیلی خوشحال شدند که من بچه بوشهر هستم و این کار را ساخته ام و من را به صدا و سیما معرفی کردند.
- سه اشتباهی که در این راه انجام دادید چه بود؟
- مطالعه کم، ادامه ندادن به ساز زدنم و بزرگترین چیزی که به من لطمه زد ادامه ندادن تحصیلم بود.
- تاثیر موسیقی در زندگی شما چی بوده است؟
- موسیقی، شادی می آورد و باعث شد که من با افراد زیادی آشنا شوم و دوستان زیادی پیدا کنم.
- مشکلات اصلی خواننده های جوان چیست؟
- مشکل اصلی فکر می کنم تقلید هست خیلی زیاد از خواننده های معروف تقلید می کنند مثلا ما چند تا محسن یگانه می خواهیم کلا در ایران سیصد هزار نفر می خوانند حالا چه به صورت حرفه ای چه در جمع خانوادگی شان خیلی از این ها از چهار، پنج تا خواننده معروف تقلید می کنند مگر ما مثلا چند محسن یگانه می خواهیم مگر از این پنج تا چند نفر لازم داریم حالا یک نفر هم به عنوان زاپاس. (خنده)
- توصیه به خواننده های جوان بوشهری که دوست دارند وارد صدا و سیما بوشهر شوند؟
- به نظر من اول بیایند روی ترانه هایشان کار کنند چون بیشتر کارها براساس ترانه هایشان رد می شوند اکثرا مضمونی تکراری دارند و خیلی هم عجول هستند و تا کاری را می سازند دوست دارند زود تحویل بدهند و کار پخش شود بدون این که مشورت کنند و روی کارشان کار کنند و می توانم بگویم یکی از رازهای موفقیت من مشورت کردن من در تمامی کارها هست. رزومه خاصی هم ندارند سعی نمی کنند بروند و از آموزشگاه خاصی شروع کنند. شما در فوتبال ببینید از تیم محله شروع می کنند بعد شهر و بعد استان .... و بعد دسته یک و بعد دسته دو، خب موسیقی هم همین طور است می خواهند راه صد ساله را یک شبه بروند.
- گلایه ......؟
- گله ای برای خودم ندارم بیشترین گله، برای دوستانم دارم که قبل از ما آمدند کلی کار کردند زحمت کشیدند ولی آنچنان که باید حق شان ادا نشده است و بیشتر برای آنها ناراحت هستم تا برای خودم.
- پیشنهاد.....؟
- پشنهادم این است که مخالف ها و موافق ها بنشینند و مشکلاتشان را حل کنند اصلا صحیح نیست که بنشینند و پشت سر هم، حرف بزنند شهر ما شهر کوچکی هست و همه همدیگر را می شناسند روبه رو همدیگر بنشینند و مشکلاتشان را حل کنند.
- مخالف ها و موافق ها چه کسانی هستند؟
- مخالف ها که همه می دانند مشخص است ولی خب مسئله ای که اینجا مطرح هست چیز دیگری هست مثالی هست همیشه می زنند که مرغ همسایه غاز است خیلی از خواننده ها از پایتخت می آیند و در شهر ما کنسرت می گذارند بچه های ما هم می روند در پایتخت کنسرت می گذارند (خنده) تا حالا من این طوری اش را ندیده بودم.
- حرف هایی که می خواستید بگویید و در این مصاحبه گفته نشد؟
-می خواستم در آخر از تمامی تهیه کننده های رادیو و تلویزیون بوشهر تشکر کنم به خاطر همکاری های که کردند.
- کلام آخر؟
- چون اینجا بیشتر بحث جوانان شد دوست دارم بگویم که برای ساخت کارهایتان هیچ وقت عجله نکنید و نمی خواهد هزینه ی خیلی زیادی را صرف ضبط کارتان کنید اول با یک ساز مثل گیتار و یک گوشی، کارتان را ضبط کنید و به چند نفری نشان دهید ترانه هایشان را ببرند پیش یک شاعر خوب تا تصحیح کند. تمرین و مطالعه زیاد را فراموش نکنند.

بانویی با سبدی پر از صلح “



برای روح بزرگ آیلان
و رویاهای کودکانه
جامانده در دریا
تقدیم به کودکان
سوریه وعراق
حسین ایزدپناه

گلبانوی صلح و آزادی
از چشمانت شعر می
بارد و آواز
و پیراهنت بوی مهربانی می دهد
کاش می آمدی
و از کوچه های این جهان می گذشتی
از تمام کوچه های این جهان
لبخند زنان به کوچه های سرزمین من می رسیدی
و موسیقی لبخند تو شیپور جنگ را بی صدا می کرد.
دستهای خسته کودکان زخمی
تو را صدا می کنند
تو را که خود صدای همیشه این کودکان بوده ای
کاش می آمدی بانو
و در جایی که از خون مردمان من
زمین لاله گون شده است
گل را به سمت گلوله نشانه می رفتی!
سرزمین من از هیاهوی دشمنی خسته است
محتاج هم آوازی عاشقانه می باشد
بانو
کاری کن پدران بی تفنگ به خانه برگردند
حتی اگر خانه حالا به خانه شباهتی ندارد
میدان جنگ خانه آنها نیست
چرا که کودکان رویاهایشان را با پدرانشان قسمت می کنند
مثل قرص نان که قسمتشان نیست انگار!
اگر تو می آمدی بانو
پیوسته با سبدی پر از صلح
آوارگی معنایش را گم می کرد
تعصب و تاریکی و خشم دور می شد
و درختان بلندتر از موشکها به آسمان خیره می شدند
و آسمان آبی و صاف
مثل همیشه به زمین لبخند می زد
و من حس می کنم تو را و لبخند آسمان را
چه دل انگیز است رویای آمدنت.

***

A lady with a basket full of peace
For children in Syria

Dear lady of peace and liberty!
Your eyes are shedding songs and poems
And your shirt smells kind
Wish you came
And passed through the lanes of the world
Reaching those of my land in smile
While the music of your smile
Would make the drum of war speechless
And the tired hands of wounded children
Are calling you out

I wish you came lady!
Where my land is red with tulips blood
You aimed flowers at bullets
My land is tired with feud chaos
It needs a lovely mate to sing with

Oh lady!
Let fathers get home with no weapons
***
خاورمیانه

از گلوی خاورمیانه خون سیاه فواره می کند
و از گلوی فرزندانش خون سرخ
این روزگار رنج آور شرق جهان است!
چراغ هدایت پیامبران برخاسته از این خاک
به سمت دیگری جهت داده می شود
و کتابهایشان وارونه در خوانش،
نفت در چراغ عقده های مذهبی می سوزد
تا آسمان این سرزمین را......
روشن....
نه !
که آتش بزند
فریادها در خیابانها
به آزادی ختم نمی شود
خیزشهای بهار گونه رنگ خزان به خود می گیرند
تا مردان و زنان این سرزمین مثل برگ درخت
بر زمین گرم آرام بگیرند
دهان آزادی بسته است اینجا
وقتی فریاد آزادی خواهان در گلو قفل می شود
و بیرون زندان خود زندان دیگری است
خانم ها و آقایان!
اینجا خاورمیانه است.

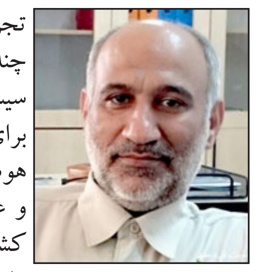
حسین ایزدپناه – برگرفته از مجموعه شعر "سبدي پر از صلح"
این مجموعه شعري چندي پيش با عنوان A basket full of Peace در يك اننتشارات الكترونيكي انگليسي زبان به نام LULU. COM منتشر شد.

نسیم جنوب
مصاحبه
شماره ۷۸۸ - یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

نتیجه ۸۴ تقدیر ما نبود، ناشی از تقصیر ما بود

خودرأیی و لجاجت فرسنگ ها با فرهنگ اصلاح طلبی فاصله دارد

بهرام نکیسا



تجربه تلخ و شیرین چند سال گذشته سیستم اجرایی کشور برای بیداری و هوشیاری هر دلسوز و علاقه مند به اعتلای کشور کفایت می کند.
این تجربه به ما می آموزد که ضرورت انسجام اصلاح طلبان یک اولویت مهم این جبهه در کشور و استان می باشد. خودرأیی و لجاجت فرسنگ ها با فرهنگ اصلاح طلبی فاصله دارد.
گفتمان اصلاح طلبی در انحصار فرد و یا گروه خاصی نیست اصلاحات خواسته و نیاز جامعه رو به رشد است و اصلاح طلبی راست و چپ نمی شناسد.
عقلای هر دو جناح راست و چپ به خوبی دریافتند که منتخب ۸۴ تقدیر ما نبود بلکه ناشی از تقصیر ما بود. فعالین سیاسی راست و چپ، اصولگرا و اصلاح طلب لازم است بپذیرند که کارآمدی و ناکارآمدی یک دولت و یا مجلس تأثیر بسزایی بر روحیه مردم و توسعه کشور دارد. تفکر اصلاح طلبی نیاز یک جامعه رو به رشد و تعالی است و الان اگر به خوبی و با دقت به جریان اصولگرای کشور نیز نگاه شود در خواهیم یافت که در آن جریان نیز رگه هایی از تفکر اصلاح طلبی نمایان گردیده است.
هیچ تفکری بدون تجدیدنظر در رویه های خود ماندگار نخواهد ماند.
فرصت به وجود آمده به واسطه تشکیل دولت تدبیر و امید در کشور پس از سه دهه تجربه نه تنها برای اصلاح طلبان بلکه سایر تشکل های سیاسی که در اندیشه تعالی ایران در عرصه داخلی و بین المللی هستند فرصت مغتنمی است.
لذا چنانچه به دلیل یکسری رفتارهای غیر اصولی و غیردموکراتیک از سوی فعالین عرصه سیاسی و مجریان امور شرایطی بر کشور بار دیگر تحمیل گردد که به واسطه آن شرایط برنامه های توسعه ای با جدیت دنبال نگردد و تحقق نیابد، می توان گفت همه به نوعی در این خصوص مسئول هستند. به ویژه به دلیل انتظاری که جامعه از دلسوزی و فداکاری اصلاح طلبان دارد، این جریان فکری بیشتر از دیگران مسئول به شمار خواهد رفت. لذا وحدت، گذشت، ایثار و عقلانیت لازمه فضای سیاسی کنونی کشور است. در مقاطع مختلف و دشوار کشور اصلاح طلبان ایثار نموده اند. همواره اصلاح طلبان امور کشور را به سامان رسانیده اند. دولت مقتدر و کارآمد «مجلس هوشمند و دانا» قوه قضائیه مستقل مطالبه به حق و اولیه مردم است و این مهم جزء با هوشیاری و هوشمندی فعالین سیاسی اجتماعی کشور و استان به ویژه اصلاح طلبان محقق نمی گردد.

پگاه حفظ اله جوان موفق استان بوشهر در کنکور سراسری در مصاحبه با نسیم جنوب:

والدین اطلاعات خود نسبت به کنکور را بهبود بخشند تا شرایط فرزند خود را درک کنند

– خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– پگاه حفظ اله فرزند ناصر هستم. متولد ۷۶ اصالتاً سعدآبادی و در حال حاضر در برازجان زندگی می کنم.
– به چه دبیرستانی می رفتید و در چه رشته ای درس می خواندید؟
– دبیرستان فرزانگان دشتستان و در رشته علوم تجربی تحصیل می کردم. بله تا حدودی، هر چند که بار اصلی کنکور بر دوش خود فرد است، اما مدرسه ی فرزانگان دشتستان جزء بهترین مدارس استان محسوب می شود که البته انتظار بیشتری از آن داشتم.
– تدریس معلمین چه تاثیری روی رتبه شما داشت؟
– در سالهای اول دبیرستان تأثیر بسزایی داشت اما من به شخصه معتقدم سال چهارم دانش آموز بیشتر باید به خودش و توانایی هایش تکیه کند.
– در منطقه چند امتحان دادید و چه رتبه ای بدست آوردید؟
– کنکور علوم تجربی و زبان را امتحان دادم رتبه ۳ زبان و رتبه ۵۳ علوم تجربی در منطقه ۳ را بدست آوردم.
– آیا انتظار چنین رتبه ای را داشتید؟
– بله– تا قبل از کنکور انتظار خیلی بهتری هم داشتم، ولی بعد از کنکور و با توجه به سختی کنکور ۹۴ در رشته علوم تجربی خیر. حتی برای رتبه های سه رقمی به (مثلاً ۸۰۰ تا ۹۰۰) هم خودم را آماده کرده بودم.
– آیا کلاس کنکور می رفتید؟
– دو کلاس فیزیک و ریاضی می رفتم که تأثیر چندانی نداشت، کلاس فیزیک حتی تأثیر منفی هم داشت و در اواسط سال، آن را ترک کردم.
– چه برنامه ریزی درسی برای کنکور داشتید؟
– با برنامه ی واحدی پیش می رفتم و آزمون می دادم و توصیه ام به کنکوریها این است که برنامه ی واحدی داشته باشند. داشتن چند برنامه تنها موجب سردرگمی فرد می شود.
– از چه منابعی برای هر درس استفاده می کردید و چگونه به این منابع دسترسی پیدا کردید؟
– منبع اصلی برای تمامی دروس، خود کتاب درسی هست. تکیه اصلی من به خود کتاب بوده و از تست های کنکور سالهای قبل تا حدودی استفاده می کردم. البته از کتابخانه ی مدرسه هم در بعضی مواقع استفاده می نمودم.
– اگر دوباره کنکور بدهید سعی می کنید چه اشتباهاتی را دوباره تکرار نکنید؟
– اول از همه این که در هیچ کلاسی در ارتباط با کنکور شرکت نمی کردم و تنها به خود و کتابهایم تکیه می کردم که شرکت محدود در همین دو کلاس از بزرگترین اشتباهاتم بود و در صورت عدم شرکت در این دو کلاس حتماً رتبه بهتری کسب می کردم. دیگر این که سعی می کردم اعتماد به نفس بیشتری داشته باشم و ناامید نشوم.
– آیا با کسی هم رقابت داشتید؟
– خوشبختانه یا متأسفانه خیلی رقابتی نبودم. رقابت اصلی من با خودم بود و فکر می کنم اگر هر کس با خودش رقابت کند هم تأثیر بهتری در درس خواندنش دارد و هم آرامش خاطر بیشتری خواهد داشت.
– روش مطالعه هر درس را برای کنکور به طور خلاصه توضیح بدهید؟
– در مورد دروس عمومی باید با فاصله ای حداقل یکی دو روز تست قسمت مربوطه زده شود. تمرکز اصلی در درس زبان روی Reading و Close test باشد. در ادبیات با تمرین کردن فهم ادبی خود را افزایش دهند در ادبیات و عربی روی گزینه را بیشتر کار کنند. در درس دینی روی آیات و روایات تمرکز بیشتری کنند. در دروس اختصاصی ریاضی و فیزیک و شیمی، بلافاصله پس از خواندن فرمولها و تکنیک ها، تست زده شود تا مطالب به درستی جا بیافتد و فرمولها و تکنیک ها و نکات ریاضی و فیزیک خلاصه برداری شود. در مورد شیمی روشها و نکات در حاشیه کتاب یادداشت شود در مورد زیست شناسی هم پس از درک مطالب تست زده شود و نکات در کتاب یادداشت شود.
– شما مشاور درسی هم داشتید؟
– خیر– شخصاً اعتقادی به مشاور تحصیلی نداشته و ندارم برای کنکوریها اول خانواده، سپس از تجربه ی دانش آموزان موفق سالهای گذشته در مدرسه اشان که با آنها در ارتباطند استفاده کنند.
– شرکت در آزمون آزمایشی چه تاثیری در موفقیت کنکور شما داشت؟
– بله– رغبتی نداشتم حتی زمانی که عقب می افتادم و به برنامه ی آزمون نمی رسیدم، تأثیر خوبی داشت چون برنامه ی اصلی و تنها برنامه ام همان برنامه ی آزمون هایم بود و دنبال کردن یک برنامه ی واحد به من این اطمینان را می داد که دروس را مطابق اصول و به موقع می خوانم.
– اگر در طول درس خواندن خسته می شدید، چه کار می کردید؟
– اگر منظورتان از خستگی، ناامیدی است با یکی از دوستانم یا برادرم (دانشجوی پزشکی اهواز) و یا خانم مهدیه دانشپور (پرسنل قلم چی) عزیز صحبت می کردم که این سه همیشه به من انرژی مثبت می دادند.
– بیشتر تمرکز شما روی چه درسهایی بود؟
– اوایل همگی به یک اندازه ولی در انتها تمرکز بیشتری روی زیست گذاشتم و بعد شیمی که از این اقدام خود بسیار راضی هستم.
– خانواده و والدین نسبت به درس خواندن کنکور شما چه برخورد و رفتاری داشتند؟
– پدر و مادرم چون فرهنگی هستند و بسیار پیگیری می کردند درک خوب و اطلاعات کافی درباره درس خواندن و کنکور داشتند و توصیه ام به والدین این است که اطلاعات خود را راجع به کنکور بهبود بخشند تا اثر عکس بر فرزند خود نداشته باشند و شرایط فرزند خود را درک کنند.
– چند ساعت در هفته را به تفریح اختصاص داده بودید؟
– ساعت تفریح یا مطالعه ام ثابت نبود هر وقت که احساس می کردم به تدریج نیاز دارم اقدام می کردم.
– درسهای پایه و عمومی چه تاثیری روی رتبه شما داشته؟ چه زمانی بهترین زمان برای مرور این درسهاست؟
– دروس عمومی تأثیر بسزایی داشتند و نقطه ی قوت پایدارم در آزمون ها و کنکور بودند. دروس پایه هم بخش عده ای از سؤالات را به خود اختصاص می دهند و باید به آنها اهمیت داد در ضمن در سال باید دروس پایه را مرور کرد. آخر هفته ها زمان مناسبی است.
– چند راهکار اختصاصی که به شما کمک کرده را به داوطلبان آینده هم می گویید؟
– داشتن یک برنامه ی واحد– در صورت شرکت در آزمون ها غیبت نکردن– یادداشت برداری از نکات استخراجی خود به روش های ذکر شده– در زمینه ی تست زدن استفاده از تکنیک × و – و تکنیک زمان نقصانی در آزمون های آزمایشی.
– تقسیم بندی مطالعاتی شما چطور بود؟ چه مقدار را به تست زدن و مطالعه می پرداختید؟



– بیشتر زمان را به مطالعه ی کتب درسی اختصاص می دادم و تست را برای آشنایی و تثبیت می زدم و به نظرم تکیه اصلی بر کتاب درسی باشد و تست را در اولویت بعد قرار دهند.
– چه دروسی روی رتبه کنکوری شما تاثیر زیاد داشته است؟
– با توجه به ضرایب دروس، زیست و شیمی در دروس اختصاصی و دروس عمومی هم همگی تأثیر خوبی داشتند. با توجه به این که کنکور امسال نسبتاً متفاوت بود و در نظرسنجی ها همه ی دروس اختصاصی و درس ادبیات از دروس عمومی خیلی سخت تأیید شدند؛ درصدها در سراسر کشور پایین بود.
– روزهای پایانی کنکور را چه کار می کردید؟
– دروسی که می دانستم فراموش کرده ام و فرار هستند را مرور کردم و کنکورهای چند سال اخیر را حل می کردم.
– مهمترین چیزی که به موفقیت شما در کنکور کمک کرده چه است؟
– توکل و اعتماد بر خدا به خصوص در روزهای پایانی و روز کنکور که آرامش خاصی به من می داد و انرژی مثبت می داد شاید یکی از عوامل مهم هم قوی بودن پایه دروس بود که کار را ساده تر می کرد.
– سخن پایانی؟
– ابتدا از خانواده ام تشکر فراوانی می کنم که همیشه همراه و پشتیبانم بودند پیگیری های بی وقفه و درک خوبی که داشتند و موفقیت خود را تا حد خیلی زیادی مدیون آنها هستم و همچنین تشکر می کنم از آن دسته از دبیرانی که از ابتدا تا انتها وظیفه ی معلمی خود را به نحو احسن به جا آوردند و همچنین دوستان خوبی که در کنارم بودند.

دو جوان افتخارآفرین بوشهری توسط شورای شهر تجلیل شدند



عبدالله جامعی دارنده نخستین مدال ژیمناستیک ایران در مسابقات بین المللی و نرجس محمدی دارنده دیپلم افتخار مسابقات جهانی مهارت برزیل توسط شورای اسلامی شهر بوشهر تجلیل شدند.
به گزارش سلام بوشهر؛ رییس شورای اسلامی شهر بوشهر در آیین تجلیل این شورا از دو افتخارآفرین بوشهری گفت: شورای شهر بوشهر همواره تجلیل از ورزشکاران و افتخارآفرینان رشته های مختلف را سرلوحه کار خود قرار داده است.
عبدالخالق برزگرزاده ادامه داد: جوانان بوشهری در زمینه های مختلف دارای استعداد هستند که حمایت از آنها می تواند افتخارآفرینی ها در سطح کشور و حتی جهان را در برداشته باشد.
وی ادامه داد: امروزه یکی از افتخارآفرینی استان های کشور میزان موفقیت دانش آموزان آن استان در کنکور سراسری است که باید زمینه این موفقیت نیز برای بوشهر فراهم شود.
برزگرزاده ادامه داد: همانند استان یزد که ۲۱ سال موفقیت رتبه نخست قبولی های کنکور کشور را به یدک می کشد در استان بوشهر نیز باید تلاش کرد این رتبه در سطح مطلوب تری نسبت به گذشته قرار گیرد.
نرجس دوست محمدی تنها زن شرکت کننده عضو تیم ملی از استان بوشهر موفق به دریافت مدالیون(دیپلم افتخار) مسابقات جهانی مهارت کشور برزیل و مقام چهارمی جهان بین ۴۲ کشور شرکت کننده در رشته طراحی گرافیک را بدست آورد.
مسابقات جهانی مهارت هر دو سال یکبار از سوی سازمان مهارتهای جهانی(WSI) در یکی از کشورهای عضو این سازمان برگزار می شود.
عبدالله جامعی نیز در مسابقات قهرمانی آسیا به میزبانی هیروشیمای ژاپن توانست برای نخستین بار رشته ژیمناستیک ایران را در مسابقات بین المللی صاحب مدال کند.
ایرنا

تفکر عمودی تا تفکر جانبی

محمد حیاتی



اولین بار اصطلاح تفکر جانبی با تفکر گریزاندیش (Lateral thinking) را دانشمند بزرگ تفکر، ادوارد دوبونو خلق کرده است. دوبونو در این رابطه ۴۵ کتاب به رشته تحریر درآورده که برخی از آنها به ۲۷ زبان ترجمه شده است. جهت آشنائی ابتدائی با تفکر عمودی و جانبی به مثال زیر توجه کنید: فرض کنید می‌خواهید با ۱۱ و ۸ و ۷ و ۵ و ۴ به عدد ۲۰ برسید در تفکر عمودی ابتدا وقتی به اشکال بالا نگاه می‌شود همه اشکال و علامت‌ها به‌صورت اعداد دیده می‌شوند.
تفکر عمودی فقط جلوی چشمش را می‌بیند و به اطراف نگاه نمی‌کند. ولی در تفکر جانبی سعی می‌شود از زوایای مختلف به یک پدیده نگاه شود. به‌طور مثال دیگر تفکر جانبی عدد ۱۱ را نمی‌بیند بلکه آن را علامت مساوی (=) می‌بیند و با عدد ۷ و ۸ در تفکر عمودی عدد دیده می‌شوند ولی در تفکر جانبی می گویند اگر این دو عدد را روی هم بگذارد علامت ضرب (X) دیده می‌شود پس در تفکر جانبی ۲۰=۴*۵ اثبات می‌شود.
در تفکر جانبی گفته می‌شود اگر دو روش برای انجام کاری وجود دارد شما روش ۲/۵ را به‌کار ببرید. ولی در تفکر عمودی اگر دو روش برای انجام کاری وجود دارد همان دو روش را برای حل مسئله به‌کار می‌برند.
تفکر عمودی انسان‌ها را به درون چاله و چاه می‌اندازد، ولی تفکر جانبی آدم‌ها را از چاله درمی‌آورد. تفکر جانبی چیزهائی را به انسان نشان می‌دهد که دیدنی نیست، نقاشی‌ها و موسیقی‌هائی را به انسان نشان می‌دهد که قبلاً انسان آن را ندیده است. به‌طور مثال در کتاب "من و دوست غولم" اثر شل سیلور استاین قصه‌ای وجود دارد به‌نام "نقاشی نامرئی" و در این داستان کوتاه می گوید: و اینجا ما یک پسر نامرئی می‌بینیم که توی خانه قشنگ نامرئی‌اش به یک موش کوچولوئی تکه پنیری نامرئی می‌دهد، وای چه نقاشی قشنگی! تو هم دوست داری یک نقاشی نامرئی بکشی. نقاشی شل سیلوراستاین یک نقاشی گریزاندیش و جانبی است.
کسی که تفکر جانبی و گریزاندیشی دارد می‌تواند نگاه‌های خلاقانه داشته باشد و جملات خلاقانه بگوید. به‌طور مثال وقتی ایرج حسابی پسر پروفسور و دانشمند بزرگ کشور دکتر حسابی در جلسه قهرمانان صنعت صحبت می‌کرد می‌گفت دکتر اعتقاد داشتند که حکومت‌ها به‌جای اینکه به مردم دروغ بگویند، وقتی که راست گفتند مردم حرفشان را باور نکنند، بیایند به مردم راست بگویند که اگر یک بار دروغ گفتند مردم حرفشان را باور کنند. این جمله یک تفکر جانبی است. یا پل تورنس پدر خلاقیت می گوید: "خلاقیت بریدن گوشه‌ها، خط زدن خطاها، عمیق‌تر حفر کردن، رفتن به آب‌های عمیق و اتصال به خورشید است." در آخر جمله تورنس یعنی اعمال به خورشید از تفکر جانبی استفاده شده است و جائی‌که تورنس می‌گوید پریدن گوشه‌ها منظورش این است که هر چیز چهارگوشه‌ای را گوشه‌ای را ببریم و از حالت عمودی به جانبی برسیم.
حال به این معما توجه کنیم ثابت کنید ۳=۷۱۹ است. در تفکر عمودی اولین چیزی که به ذهن می‌رسد این است که ۷ را به آن طرف تساوی ببریم یعنی ۳۷=۱۹ و یا اگر عدد یک را جابه‌جا کنیم ۳۱=۷۹ می‌شود و یا اگر عدد ۹ را جابه‌جا کنیم ۳۹=۷۱ می‌شود ولی تفکر جانبی نمی‌آید همه حرکت‌ها را عمودی انجام دهد بلکه یک عدد را برمی‌دارد و روی ۷ می‌گذارد و آنگاه جذر به‌دست می‌آید. تفکر جانبی می گوید چرا ۷ و ۱، عدد باشند می‌توان از ترکیب این دو عدد علامت رادیکال را ساخت یعنی: $3=\sqrt{9}$
حال به معمای زیر جواب دهید: می گویند یک پشه با یک فیل ازدواج می‌کند ولی بچه آنها توله‌سگ می‌شود، چرا؟ در تفکر عمودی چون همه چیز را طبق روال معمول می‌بیند با خود می گوید حتماً باید وقتی بچه‌ای می‌آید، از توی شکم مادرش باشد ولی جواب آن براساس تفکر جانبی این است که بچه‌شان را از پرورشگاه آوردند، تفکر جانبی تفکری است که به سؤال‌ها جواب‌های کلیشه‌ای نمی‌دهد. امروزه بسیاری از واژه‌ها براساس تفکر جانبی تغییر کرده‌اند به‌طوری که هم‌اکنون واژه‌های زیر بر اساس تفکر جانبی و گریزاندیشی بنا شده‌اند.
تفکر عمودی باعث می‌شود که انسان‌ها در چانه تفکر گرفتار شوند. مانند کسی که با ماشین با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت در حال حرکت است و می‌خواهد طبیعت را هم بنگرد. می گویند نیوتن ۲۵ سال از عمر خود را به مطالعه علم کیمیا و پژوهش در راز اکسیرهای اسرارآمیز گذرانده دورانی که برای او هیچ ارزشی نداشته در حقیقت گرفتار تفکر عمودی بوده ولی بعد از آن شروع به تفکر جانبی می کند حال به معمای زیر پاسخ دهید.
چه‌طور چهار آدم بزرگ می‌توانند زیر یک چتر قرار بگیرند و هیچ کدام خیس نشوند؟
در تفکر عمودی دنبال این پاسخ‌ها می‌باشد: چتر خیلی بزرگ است که در عمل امکانش ضعیف است. "چهار نفر به‌هم چسبیده‌اند و یا بالای سر هم ایستاده‌اند" که در عمل امکانش ضعیف است. ولی وقتی با تفکر جانبی به مسئله نگاه می کنید دنبال پارامترهائی می گردید که ربطی به چتر ندارند، و جواب جانبی آن این است که آن زمان باران نمی‌باریده و هوا آفتابی بوده. لارنس فونتریه از کارگردانان بزرگ سینما در سال ۱۹۹۵ انجمنی را تشکیل می‌دهد به‌نام "دگم‌های ۹۵" او در این انجمن هر سال ۱۰ دقیقه فیلم گریزاندیش می‌سازد و قولش را داده که تا سال ۲۰۲۴ این فیلم‌ها را بسازد و مردم هم هر سال صف می کشند تا فیلم‌های او را ببینند، اگر به‌نام انجمن او دقت شود، دقیقاً اسم انجمنش براساس تفکر جانبی می‌باشد زیرا دگم کلمه‌ای است که نشان می‌دهد که یک شخص خیلی بسته فکر می‌کند ولی در حقیقت برعکس بسته فکر کردن، عمل می‌نمایند. فیلم قالب فرشته به بازیگری رابرت دنیرو درباره شخصی است که در حقیقت شیطان و اسمش angel یعنی فرشته بود و همین اسم یعنی قلب فرشته، انسان را به اشتباه می‌انداخت و فکر می‌کنیم آنجل شخص فرشته صفت است ولی در پایان فیلم متوجه می‌شویم که او در حقیقت شیطان بوده است. پس درمی‌یابیم که انتخاب نام این فیلم براساس تفکر جانبی و گریزاندیش است. در سریال او یک فرشته بود که در ماه مبارک رمضان پخش شد دقیقاً همین مسئله دیده شد. یعنی نام این سریال بر اثر تفکر جانبی گذاشته شده است و همه فکر می کردند که در فیلم، یک فرشته را خواهند دید ولی در حقیقت با شیطان روبه‌رو شدند. بسیاری از کارگردانان براساس تفکر جانبی فیلم‌هائی می‌سازند که تماشاگر هر لحظه احساس کند اشتباه کرده است.
وقتی براساس تفکر جانبی می‌اندیشیم می‌توانید اختراعات و ابتکارهای جدیدی به‌وجود آورید. فکر کنید شمع‌هائی ساخته شوند که مثل فندک باشند و درون زیارتگاه‌ها بگذارند و همانند دستگاه‌هایی که پول می‌اندازند نوشابه می‌دهد، درون این دستگاه هم اگر پول بیندازید شمع روشن شود یا فکر کنید بوقی ساخته شود که اگر شما برای ماشین جلوئی بوق بزنید فقط همان ماشین بفهمد و بقیه از صدای بوق اذیت نشوند.
وقتی می‌خواهید کاری ابتکاری روی یک بوق انجام دهید باید تغییرات ابتکاری عمودی را بنویسید بعد با نگاه و تفکر جانبی ایده‌های گریزاندیشی بدهید. حال به این جمله دقت کنید که براساس تفکر جانبی است: "از این به بعد به‌جای اینکه بگوئید نمی‌شود، بگوئید نه می‌شود".

رشد چشمگیر قبولی دانش آموزان عسلویه در دانشگاه های دولتی

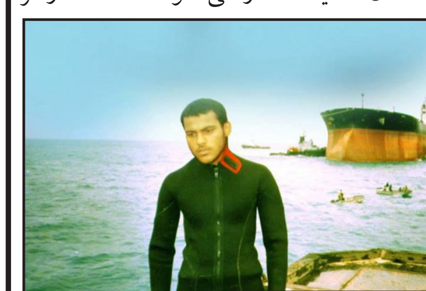
معاون آموزش و نوآوری آموزش و پرورش عسلویه از قبولی ۱۱ دانش آموز این شهرستان در رشته های روزانه در بهترین دانشگاه های کشور خبر داد. به گزارش "عسلویه نیوز"حسین غلامپور معاون آموزش و نوآوری آموزش و پرورش عسلویه در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت : یکی از برنامه هایی که سال قبل دنبال کردیم برگزاری کلاس های نخبه پروری در منطقه ویژه با حضور اساتید مجرب بود.
وی افزود: این کلاس های نخبه پروری در زمینه رشد علمی دانش آموزان تاثیر خیلی خوب داشته است و برنامه های مشاوره برای دانش آموزان نیز با برنامه‌ریزی در مدارس شهرستان دنبال کردیم.
وی بیان داشت : نتیجه برنامه ریزی های خوب سال گذشته این بود برای اولین بار یازده دانش آموز شهرستان در رشته های روزانه و دانشگاه های برتر کشور پذیرفته شدند که در سال های گذشته این تعداد قبولی در دانشگاه های دولتی بی سابقه بوده است.
غلامپور با تقدیر از عنایات ویژه مدیر عامل منطقه ویژه پارس و مدیر تعاملات منطقه ویژه و حمایت های فرماندار شهرستان ادامه داد: طرح نخبه پروری امسال نیز در شهرستان عسلویه اجرا می شود. عضو شورای آموزش و پرورش شهرستان عسلویه ادامه داد : از دیگر برنامه های امسال توانمند سازی معلمان و مدیران است و همچنین تکیه بر آموزش دروسی تخصصی و همچنین آموزش برای خانواده ها نیز از برنامه های سال جاری است. وی از برگزاری دوره های مشاوره با حضور دکتر ارسنجانی مشاور معاون وزیر آموزش و پرورش برای دانش آموزان، خانواده ها، مشاوران مدارس و معلمان خبر داد و تصریح کرد : بهبود وضعیت آموزش و پرورش عسلویه با قوت پیگیری می کنیم.

نسیم جنوب
هفته دفاع مقدس
شماره ۷۸۸ - یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

گردان مالک بوشهر ؛ عملیات شلمچه و آن سه یار همراه

اردشیر ترک زاده

ساعت یک بعدازظهر روز چهارم مردادماه ۱۳۶۷است؛ ماشاله کارگر رزمندگان بوشهری دسته خود از گردان مالک اشتر ناوتیپ امیرالمومنین (ع) را به دور هم جمع می کند و با لحن مهربانانه می گوید: «بچه ها ما امشب می خواهیم در عملیات شرکت کنیم؛ حواستان باشد همدیگر را تنها نگذارید؛ اگر کسی قصد حرکت به جلو برای یورش به نیروهای عراقی را داشت با گفتن یا مهدی او را یاری نمایید و اگر هر کدام از بچه ها زخمی شد او را تنها نگذارید و به عقب خط انتقال دهید.»
شبانگاهان عملیات آغاز می شود؛ ماشاله کارگر





به همراه نیروهای تحت اختیارش پیشروی را زیر آتش سنگین و بی وقفه عراقی ها آغاز کردند و حدود ۶۰۰ متر در عمق نیروهای عراقی نفوذ می نمایند. ماشاله در حین پیشروی متوجه می شود نیروهای عراقی برای آنها تله گذاشته اند و در فرصت مناسب قصد محاصره آنها را دارند، پس سریعا به بچه ها دستور عقب نشینی می دهد. پس از چند صد متر عقب نشینی از سمتی دیگر مجددا برای بار دوم حدود هزار متر در عمق نیروهای عراقی برای گرفتن دژ پیشروی می کنند؛ که دوباره به علت کم شدن نیروها و آتش سنگین نیروهای عراق عقب نشینی می کنند.
هنگامی که به خاکریز دفاعی نیروهای خودی می رسند به ماشاالله می گویند کریم تنگستانی زخمی شده و نیروهایی که به کمک او رفته اند در محاصره قرار دارند و می بایست هر طور شده به آنها کمک کرد تا از محاصره خارج شده وکریم را به عقب برگردانند.
در ادامه حرکت عباسعلی افشون و باقر بحرینی نیز با ماشالله همراه شده و به طرف جلو حرکت می کنند. آتش و انفجارهای سنگین گلوله های خمپاره ها و انواع سلاح با کالیبرهای متفاوت برجان خسته بچه ها اثرگذار می شود. گرمای هوا تشنگی روز قیامت را به یاد ماشاالله می آورد. علی رغم اینکه او بسیار تشنه است، به همراه دو دوست دیگرش خود را به کریم تنگستانی می رسانند. کریم بشدت از ناحیه پا زخمی شده و روی برانکاردی قرار دارد که قبلا کاظم میرشکاری برایش آورده و به تنهایی او را چند متری نیز با خود حمل کرده و بروی زمین کشیده.
عباسعلی افشون جلو برانکارد را بلند می کند ماشاالله کارگر و باقر بحرینی نیز عقب برانکارد را بلند کرده و حرکت می کنند. آتش عراقیها بسوی آنها بسیار سنگین است، بعد از چند قدم حرکت؛ خمپاره ای در نزدیکی آنها به زمین می خورد، ماشالله کارگر، باقر بحرینی و کریم تنگستانی در دم به شهادت می رسند تا وفاداریشان نسبت به دوستانشان تکمیل شود. عباسعلی افشون با چشمانی اشکبار صحنه نبرد را ترک می کند، پس از چند ساعت حرکت بعلت نامعلوم بودن مسیر برگشت نزدیکی های صبح توسط نیروهای ارتش دستگیر می شود و به خیال آنکه او از نیروهای سازمان مجاهدین خلق می باشد، او را در سنگر زندانی می کنند. ساعت ۸ صبح با توجه به ادعای افشون مبنی بر این که او عضو ناوتیپ امیرالمومنین است؛ فرمانده ارشد گردان مالک به آنجا رفته و ادعای افشون را تایید و او را به منطقه "مارد" برمی گرداند.
بعد از آن هفت شب متوالی عباسعلی افشون، محمد دادفر، محمد زنده بودی و محمد کامیاب برای برگرداندن اجساد شهدا وارد موقعیت شهید صفوی می شوند اما هر بار عراقی ها با آتش سنگین خود بر روی نقطه شهادت رزمندگان مانع از دسترسی نیروها به اجساد می شوند.
بعد از آن نیز عراقی ها کل منطقه را به زیر آب می برند. سرانجام بعد از گذشتن ۴۰ روز از شهادت آنها با اجرای قطعنامه ۵۹۸ اجساد مطهر این عزیزان با اجساد نیروهای عراقی معاوضه می شود و شهیدان کریم تنگستانی، ماشاالله کارگر و باقر بحرینی به آغوش میهن باز می گردند.
روحشان شاد یادشان گرامی باد.

خاطراتی از سید محمد علی بصری، رزمنده بوشهری دفاع مقدس(۱):

چگونه شیر بچه های ایرانی حیثیت مرگ را به بازی می گرفتند



عملیات بدر- هورالهویزه - شرق دجله:
حدود ساعت ده شب به خط مقدم رسیدیم. هنوز پایمان به خشکی باز نشده بودکه یکی از قایق ها مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و از وسط دو نیم شد. چند نفر از بچه ها همان جا مجروح شدند و با قایق دیگری به عقب برگشتند. بعدها شنیدم "قاسم زارع" هم ترکش به سرش خورده و شهید شده بود. قاسم بچه ی برازجان بود و یک سال پیش در "منطقه ی جفیر" با او آشنا شده بودم.
قایق ها در ابتدای ضلع شمالی دژ پهلو گرفتند. با احتیاط از قایق پایین آمدم و نیم خیز به طرف انتهای دژ راه افتادم.
در بدنه ی دژ سنگرهای کوچکی به فاصله ی حدود دو متر حفر شده بود. در هر سنگر یک یا دو نفر نشسته بودند. همان اول فهمیدم که آنها از نیروهای دیگر تیپ الغدیر هستند که از شب گذشته در خط حضور داشتند. بعضی از آن ها از فرط خستگی خواب شان برده بود. اولش فکر می کردم شهید شده اند، برای اینکه بدانم زنده اند یا نه یکی از آن ها را تکانی دادم. چشم هایش را باز کرد و گفت: تازه رسیدید؟
در حالی که می رفتم، گفتم: آره، همین چند دقیقه پیش.
از ابتدای ستون، بچه ها سنگرهای خالی را پر می کردند. من و "جمشید انصاری" هم خودمان را به یکی از سنگرهای خالی رساندیم و دو زانو در آن نشستیم. آر پی جی زن مان هم در سنگر بغلی جایی برای خودش دست و پا کرد. همه منتظر ماندیم تا دستور از فرماندهی برسد و ماموریتی که داشتیم را شروع کنیم. ماموریت ما قطع جاده ی مواصلاتی "بصره - العماره" بود.
عراقی ها با سلاح های سبک و سنگین منطقه را می کوبیدند. خمپاره ها یکی پس از دیگری از روی سر ما رد می شدند و درون نیزارها می افتادند. شانس آورده بودیم که آب سرعت ترکش شان را می گرفت، وگرنه در همان ساعت اول کار همه ی ما ساخته بود. تیربارهای دشمن از میان نیزارهای اطراف دژ روی سر ما آتش گرفته بودند. برای اینکه تیر نخوریم مجبور بودیم خودمان را به زمین بچسبانیم. دنبال راه چاره ای می گشتیم که برادر مسعودی (معاون گروهان) از کنار سنگر ما رد شد و گفت: آرپی جی زنا پاشن بیان، آر پی جی زنا.
از گوشه و کنار دژ چند نفر بلند شدند و رفتند. آر پی جی زن ما هم رفت. بچه ها از تاریکی شب استفاده کردند و خودشان را به نزدیک مواضع عراقی ها رساندند. آن ها با شجاعتی مثال زدنی سنگرهای دشمن را موشک باران کردند. ساعتی بعد تیربارها خاموش شدند و سکوتی نسبی خط را فرا گرفت.
بیش از بیست ساعت می شد که نخوابیده بودم. چشم هایم بدجوری سنگین شده بود. با "جمشید انصاری" تصمیم گرفتیم کمی بخوابیم. قرار شد به نوبت یکی بخوابد و دیگری مراقب اوضاع و احوال باشد. به خاطر این که من کوچک تر بودم قبل از جمشید خوابیدم. از شدت خستگی خیلی زود خوابم برد. هر چند دقیقه یک بار موشک خمپاره ای کنارمان به زمین می افتاد و از خواب می پریدم. گاهی وقت ها هم گلوله ی توپی پشت دژ می خورد و سنگرمان را به شدت می لرزاند. هر قدر به صبح نزدیک تر می شدیم حرص و ولعم برای مبارزه با دشمنی که بیش از صد متر با ما فاصله نداشت بیشتر می شد. تا آن زمان عراقی ها را به آن نزدیکی ندیده بودم.
شب را تا صبح به همین صورت گذراندم. از روی ساعت مچی ام که یک ماه پیش در تهران خریده بودم وقت اذان صبح را فهمیدم. آن روز به همراه "حمیدرضا زارعی"، "علی ایمانپور" و چند نفر دیگر از بچه ها مرخصی ساعتی گرفته و به میدان آزادی رفته بودم. دست فروش های میدان دورمان جمع شدند. یکی از آن ها دستش تا بالا پر از ساعت بود. هر یک از بچه ها چیزی خرید. من هم یک ساعت کامپیوتری به قیمت دویست تومان خریدم.
تا کناره ی هور بیش از دو متر فاصله نداشتیم. کلاه نظامی ام را از سرم در آوردم و برای برداشتن آب از سراشیبی هور پایین رفتم. زمین زیر پایم لیز بود و به سختی می توانستم راه بروم. یک ردیف سیم خاردار حلقوی هم سرتاسر دژ کشیده شده بود. هر جوری که بود کلاهم را از لای سیم خاردار توی آب فرو کردم و مقداری آب برداشتم. حالا دیگر آتش دشمن هم شدیدتر شده بود. از این که می خواستم نمازی در آن شرایط بخوانم احساس غرور می کردم. وضوی نصف و نیمه ای گرفتم و نماز صبحم را به صورت نشسته خواندم. به سجده که می رفتم مطمئن نبودم سرم را از زمین بر می دارم.
ساعت شش و نیم صبح بود. تانک های دشمن از ضلع شمالی دژ منطقه را می کوبیدند. درست همان جا که شب گذشته از قایق ها پیاده شده بودیم. یکی از فرماندهان در حالی که به صورت نیم خیز می آمد فریاد زد: آر پی جی زنین؟
- نه، کمکی هستیم.
با دست ضلع شمالی دژ را نشان داد و گفت: تانک های دشمن از اونجا دارند میان جلو، یالا خودتون رو به اون سمت برسونین، بدویین، عجله کنین، ...
به همراه "جمشید انصاری" کوله پشتی آر پی جی ام را برداشتم و به طرف جایی که گفته بود راه افتادم. به دلیل کوتاه بودن دژ مجبور بودیم به صورت پامرغی حرکت کنیم. راه رفتن به آن صورت با کوله ای پر از موشک و یک اسلحه ی کلاش و کلی تجهیزات رزم، کار سختی بود. در کنار دژ پیکرهای مطهر عزیزانی را می دیدیم که معلوم بود تازه شهید شده اند. پیکر مطهر چند شهید هم روی آب گرفته بود. هر چند دقیقه یک بار گلوله ی توپی کنارمان به زمین می خورد. با هر گلوله ی توپی که منفجر می شد عده ای شهید یا مجروح می شدند. یکی از بچه های یزدی ترکش به گلویش خورده بود و از درد می نالید. از روی فانسقه ام کیسه کمک های اولیه ام را در آوردم. با کمک جمشید زیر گلویش را با باند بستیم و او را در سنگری نشاندیم. تا خواستیم برویم صدای مان زد و گفت: کمکم کنید، خواهش می کنم، می خواهم با بچه ها حرف بزنم، می خواهم حرف آخرم را با آنها بزنم، ...
دوباره برگشتیم و بلندش کردیم. زیر بغلش را گرفتیم و از کنار سنگرها عبورش دادیم. به هر سنگری که می رسیدیم از ته گلو می گفت: بچه ها امام رو تنها نذارین، بچه ها مقاومت کنین، بچه ها شما پیروزید.
بیش از چند دقیقه نگذشت که آن عزیز هم جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر بی جان او را کناری گذاشتیم و به راه خودمان ادامه دادیم.
در میانه ی راه فرمانده ی گروهان "عباسعلی صادقیان" را دیدم. کسب تکلیف کردم، با صدای بلند گفت: برین که عراقی ها دارن می رسن، عجله کنین، ...
کمی که جلوتر رفتیم "نادر راوند" و "سید غلامحسین ذاکر حسینی" را دیدم که با چهره ای برافروخته کنار هم نشسته اند. حال شان را پرسیدم، چیزی نگفتند. مثل اینکه موج انفجار خورده بودند. سید غلامحسین دست چپش را روی سرش گذاشت و با دست دیگرش محل جلو کشیدن تانک ها را نشانم داد. نادر هم فقط نگاهم می کرد.
حالا دیگر فاصله زیادی تا تانک های دشمن نداشتیم. باورم نمی شد. بیش از صد تانک غول پیکر با آرایش نظامی خاصی جلو می آمدند. صدای شنی تانک ها مرا به یاد فیلم های سینمایی دوران کودکی ام می انداخت. تا آن زمان این همه تانک را یک جا ندیده بودم. بچه های آر پی جی زن با شجاعتی مثال زدنی از جای شان بلند می شدند و به طرف تانک ها شلیک می کردند. هر چند دقیقه یک بار یکی از تانک ها منفجر می شد و دود غلیظی بالا می رفت. با انفجار هر تانک فریاد الله اکبر مان به آسمان بلند می شد. پشت هر یک از تانک ها تعدادی از نیروهای پیاده ی دشمن سنگر گرفته بودند. سربازهای عراقی همین که سنگر خود را از دست می دادند پا به فرار می گذاشتند. تیربارچی ها هم فرصت را غنیمت می شمردند و آن ها را به رگبار می بستند. بی اختیار به یاد این رباعی افتادم که می گوید:

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت
با زخم نشان سرفرازی نگرفت
زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت.

آنجا به چشم خود می دیدم که چگونه شیر بچه های ایرانی حیثیت مرگ را به بازی می گیرند.. ادامه دارد...

خاطراتی از اکبر دارابی آزاده بوشهری:

وقتی که بر این خاک بوسه زدیم



زمانی که تبادل اسیران شروع شده؛ بعد از گذشت ۴ سال یک الی دو روز قبل از آزادی تازه صلیب سرخ جهانی وارد اردوگاه تکریت ۱۱ شد که ما را ثبت نام کند. بچه ها تصمیم گرفتند که به عراقیها حالی کنند که ما همانهایی هستیم که روز اول وارد این اردوگاه شده ایم و حالا هم که داریم می رویم هیچ تغییری نکرده ایم. بچه ها تصمیم گرفتند که موقع ظهر در وسط اردوگاه نماز جماعت بخوانند. عراقیها هم بخاطر حضور نیروهای صلیب سرخ و موجه جلوه دادن خودشان دیگر حق زدن ما را نداشتند؛ به همین دلیل فقط سر و صدا می کردند.
بعد از اینکه از داخل آسایشگاه ها پتوها را آوردند و وسط اردوگاه پهن کردند؛ صف نماز جماعت بسته شد و یک نفر هم با صدای بلند اذان را گفت. عراقیها که مثل مار به خودشان می پیچیدند؛ به جزء داد و بیداد کردن هیچ کار دیگری نمی توانستند انجام بدهند. نماز در مقابل دیدگان نیروهای عراقی و صلیب سرخ جهانی خوانده شد.
یکی از عراقیها به یکی از بچه ها گفته بود: «در این ۴ سال ما خیلی تلاش کردیم که شما را آدم کنیم ولی متاسفانه آدم نشدید».
در طول اسارت عراقیها بعضی از مواقع برایمان روزنامه انگلیسی می آوردند. شاید دلیل آن هم این بود که آنها تصور می کردند که هیچ کدام از ما با زبان انگلیسی آشنایی نداریم بنابراین نمی توانیم روزنامه را بخوانیم.
روزنامه انگلیسی انگیزه ای شده که بچه ها از فرصت استفاده کنند و زبان انگلیسی را فرا بگیرند. یک نفر در آسایشگاه ما بود بنام مسعود؛ ایشان اهل شمال و رشته دانشگاهی او هم به احتمال قوی دریانوردی بود و بخشی از تحصیلات خود را هم در خارج از کشور گذرانده بود و اساتید آنجا نیز همگی فقط به زبان انگلیسی تدریس می کرده اند و دانشجویان از هر کشوری که بوده اند می بایست حتماً به زبان انگلیسی مسلط می بودند.
بنابراین آقا مسعود ما کاملاً به انگلیسی مسلط بود و کار تدریس انگلیسی را بدون هیچ گونه امکاناتی حتی دور هم جمع شدن (چون مجازات داشت) شروع کرد و کسانی هم که تمایل به فراگیری زبان انگلیسی داشتند؛ بعضا تحصیلات آنها دوره ابتدایی و یا راهنمایی بود و وقتی از آسایشگاه برای هواخوری بیرون می آمدیم؛ با انگشت روی زمین تمرین می کردند و تا عراقیها هم می آمدند سریع آن را پاک می کردند.
خلاصه؛ در طول این چهار سال کاملاً زبان انگلیسی را فرا گرفتند به گونه ای که وقتی صلیب سرخ وارد اردوگاه شد؛ با آنها به راحتی صحبت می کردند و هر چه که در این ۴ سال بر ما گذشته بود را به آنها می گفتند و عراقیها هم فقط نگاه می کردند و از انگلیسی چیزی حالیشون نمی شد.
هر چند که این کار مثل آب در هاونگ کوبیدن بود چون صلیب سرخ همه چیز را می دانست ولی آنها از شنیدن این مطالب خیلی متعجب شده بودند که چگونه ما توانسته ایم این وضعیت را تحمل کنیم. جالب تر اینکه از بچه ها سوال کرده بودند که انگلیسی را کجا فرا گرفته اید وقتی بچه ها گفته بودند که در اردوگاه اصلا برایشان قابل هضم نبود.
در اردوگاه یکی از اسرا بنام هاشم انتظاری برنامه فرار از «اردوگاه تکریت ۱۱» را طراحی می کند؛ ولی به علت انتقال به اردوگاه بعقوبه ۱۸، موفق نمی شود نقشه خود را در این اردوگاه اجرا کند. عراقی ها هر چند وقت یک بار یا هر وقت که احساس خطر می کردند؛ اسیرانی که نسبت به دیگران بیشتر با آنها درگیر می شدند و یا بقول خودشان شورشی بودند را از بقیه جدا و به اردوگاههای دیگری منتقل می کردند.
آقای هاشم انتظاری پس از انتقال به اردوگاه بعقوبه ۱۸ به اتفاق آقایان احمد چلداوی و مسعود ماهوتچی که اینها نیز از اردوگاه تکریت ۱۱ به آنجا منتقل شده بودند؛ برنامه فرار خود را اجرایی می کند اما متاسفانه دستگیر و دوباره به اردوگاه تکریت ۱۱ عودت داده می شوند.
وقتی آنها را وارد اردوگاه کردند؛ به سلولهای انفرادی بردند و تا مدتی در این سلول ها تحت بدترین شکنجه ها از جمله گذاشتن اتو روی بدن آنها بودند. به گونه ای که تا مدتها اینها را با پتو جابجا می کردند و عراقیها برای توجیه کارهای خودشان می گفتند ما کاری کرده ایم که اینها نتوانند راه بروند که دیگه فکر فرار به سرشان نزنند.
وقتی که بحث تبادل اسرا مطرح شد؛ عراقیها اینها را از ما جدا کردند و به مکان نامعلومی منتقل نمودند و دلیل آن هم این بود که نمی خواستند با این وضعیت به ایران برگردند در حالی که آثار شکنجه روی بدن آنها بود.
وقتی نیروهای صلیب وارد اردوگاه شدند؛ بچه های که می توانستند به زبان انگلیسی صحبت کنند با آنها ارتباط برقرار نموده و گزارش کاملی از وضعیت این افراد به نیروهای صلیب دادند و اعلام کردند که باید این چند نفر هم با ما به ایران برگردند و چنانچه برنگردند ما گزارش کامل آنها را به دولت ایران ارائه خواهیم داد تا دولت از طریق دیپلماتیک موضوع را پیگیری نماید و نیروهای صلیب وقتی متوجه شدند که در یک کار انجام شده قرار گرفته اند؛ قول دادند که وضعیت آنها را پیگیری و به ایران برگردانند و این افراد هم به ایران بازگشتند.
در حال حاضر هر سه نفر دکتر می باشند و آقای احمد چلداوی دارای دکترای مهندسی مخابرات مایکرویو، دانشگاه علم و صنعت تهران و استاد دانشگاه می باشد که خاطرات خود را در کتابی بعنوان «یازده» منتشر نموده است.
بالاخره روز آزادی فرا رسید؛ باورمان نمی شد که داریم از این اردوگاه؛ دیوار فنسی و سیم خاردارهایی که ما را ۴ سال در خودش احاطه کرده بود و هر روز به جزء دیدن این منظره چاره ای نداشتیم؛ خارج شویم. از طرف دیگر بدلیل اینکه ۴ سال از بهترین لحظات عمرمان در این مکان گذشته بود و دوستانی را پیدا کرده بودیم که در سخت ترین شرایط به داد همدیگر می رسیدند و دلهایشان برای هم می تپید؛ یک جورایی به این مکان تعلق خاطر پیدا کرده بودیم؛ چرا که می دانستیم وقتی به ایران برگردیم؛ جمع شدن این دوستان شاید کار بسیار سختی باشد.
وقتی اتوبوسها وارد اردوگاه شدند؛ دیدن اتوبوس هم برای ما تازگی داشت؛ چون در این سالها سوار هیچ وسیله نقلیه ای نشده بودیم. وقتی که سوار شدیم و اتوبوسها از اردوگاه تکریت خارج شدند؛ وارد یک دنیای جدیدی شدیم که دیدن هر چیزی برای ما جذاب بود. دیدن طبیعت؛ بیابانها؛ خیابانها؛ مردم و همه چیز. وقتی که رسیدیم بغداد اتوبوسها کنار خیابانی توقف کردند. تعدادی از مردم عادی عراق که از آدمهای ضعیف جامعه بودند وقتی اتوبوسهای ما را دیدند؛ جمع شدند.
یک جوانی در بین این افراد بود که یک بچه کوچکی را بغل کرده بود و محو تماشای ما شده بود. هر چند که درب اتوبوس یک سرباز عراقی مسلح ایستاده بود ولی یکی از بچه ها رفت پایین و این بچه را از برادرش گرفت؛ آن را بغل کرد و آورد داخل اتوبوس. بچه ها از دیدن این بچه شگفت زده شده بودند و هر کس سعی می کرد که به او محبت کند؛ فارغ از این مطلب که این بچه؛ بچه ی یک عراقی است و پدران آنها دیروز برای ما حکم شمرذی الجوشن را داشتند و هیچگونه ترحمی در وجود آنها نبود.
اتوبوسها از بغداد به راه افتادند و هوا داشت تاریک می شد. مسافت بغداد تا مرز خسروی را باید شبانه طی می کردیم. حتی شب هم برای ما تازگی داشت؛ چرا که در این ۴ سال حتی یک شب هم بیرون از آسایشگاه نبودیم و قبل از غروب آفتاب ما را وارد آسایشگاه می کردند تا فردا صبح؛ بنابراین این اولین شبی بود که بیرون از آسایشگاه بودیم و دیدن شب و ستارگان هم برایمان یک رویا شده بود.
از اردوگاه که اتوبوسها خارج شدند؛ یک اتوبوس خالی ما را همراهی می کرد و این سؤال ایجاد شده بود که وجود این اتوبوس چه نیازی است. بر حسب اتفاق نیمه های شب بود که در وسط بیابان اتوبوس ما پنچر شد. راننده عراقی که پیرمردی بود؛ ناچاراً اتوبوس را متوقف کرد و قصد تعویض لاستیک را داشت. بچه ها تصمیم گرفتند که به او کمک کنند؛ ابتدا نگهبان عراقی اجازه نمی داد ولی با او صحبت کردند که ایشان یک پیرمرد است و به تنهایی قادر به این کار نمی باشد و قطعاً نیاز به کمک دارد. نگهبان وقتی سماجت بچه ها را دید؛ چاره ای جز پذیرفتن این مطلب را نداشت.
در حین تعویض لاستیک؛ اتوبوس خالی هم رسید و قرار شده که با آن ادامه مسیر را طی کنیم. نکته قابل توجه ای که وجود داشت این بود که وقتی سوار اتوبوس بعدی شدیم؛ بچه ها به عراقیها اعتراض کردند که این راننده به تنهایی نمی تواند لاستیک اتوبوس را تعویض کند؛ در این نیمه شب و در این بیابان نیاز به کمک دارد؛ ولی اصلاً به حرف ما توجه نکردند و گفتند که خودش باید این مشکل را حل کند بنابراین او را در آنجا رها کرده و اتوبوس به راه خود ادامه داد.
بالاخره اولین شب رویایی بعد از اسارت و یا آخرین شب در اسارت به پایان رسید و خورشید داشت طلوع می کرد؛ اما نه از پشت فنس ها و سیم خاردارهای اردوگاه؛ بلکه از مرز خسروی. وقتی به مرز خسروی رسیدیم و اتوبوسها متوقف شدند؛ روبروی ما نیروهای عراقی و صلیب سرخ ایستاده بودند و چند متر آن طرف تر نیروهای ایرانی و اتوبوسها منتظر ورود ما بودند.
در حالی که نیروهای طرفین در حال طی کردن مراحل تبادل بودند؛ از بین نیروهای عراقی و صلیب سرخ یک نفر از نیروهای خودی عبور کرد و خودش را به اتوبوس ما رساند و سوار اتوبوس شد. چون ایشان اولین نیروی ایرانی بود که ما با او برخورد می کردیم؛ بچه ها با هیجان به سمت او رفتند ولی ایشان هیچ توجه ای به هیجانات بچه ها نداشت و خیلی سریع داشت اسم بچه ها را یادداشت می کرد. بعداً فهمیدیم که روزهای قبل عراقیها اتوبوس اسرای ما را به بهانه واهی دوباره به داخل عراق و احتمالاً اردوگاه برگردانده بودند. به همین دلیل نیروهای خودی سریع اسم بچه ها را می نوشتند که اگر باز هم عراقیها خواستند ما را برگردانند؛ حداقل اسامی ما را داشته باشند. حال تصور کنید اسیری که بعد از چند سال تا لب مرز بیاید و دوباره برگشت داده شود؛ چه حالی خواهد داشت.
نهایتاً این طلسم شکسته شد و در صبحگاه مورخه ۵/۶/۱۳۶۹ قدم به خاک پاک ایران زمین گذاشتیم؛ ایرانی که نامش همیشه بر تارک تاریخ می درخشید و حال که وجب به وجب خاک آن با خون شهیدان آغشته شده؛ می بایست بر این خاک بوسه زد و سجده نمود.

مدیر کل آموزش و پرورش استان بوشهر:

هیچ کلاس بدون معلم در استان بوشهر وجود ندارد



مدیر کل آموزش و پرورش استان بوشهر با اشاره به بدهی ۳ میلیارد ۴۰۰ میلیون آموزش و پرورش به اداره برق ،گفت: علیرغم پیگیری های صورت گرفته جهت عدم قطعی برق در مدارس در تابستان شاهد قطعی برق بودیم.

به گزارش خبرنگار مهر، ناصر کرمی در نشست با خبرنگاران ضمن تبریک سال تحصیلی جدید و گرامیداشت هفته دفاع مقدس، اظهار داشت: برنامه ریزی برای اجرای هر چه بهتر پروژه مهر در استان بوشهر از خرداد ماه سال جاری آغاز و برنامه هایی در راستای آغاز رسمی مدارس از اول مهر تدوین و اجرا شد.

وی با بیان اینکه در اول مهر هیچ کلاسی در استان بوشهر بدون معلم وجود ندارد، افزود: در سال جدید ۸۰۰ همکار بازنشسته وجود دارد و در مقابل هیچ نیرویی به آموزش و پرورش اضافه نشده است، در این راستا با دو نوبتی کردن مدارس و استفاده از نیروهای بازنشسته مشکل کمبود نیروی انسانی در مدارس مرتفع شد.

وی خاطرنشان کرد: بیشترین کمبودهای نیروی انسانی در مقاطع ابتدایی بوده است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر از دستور دیر هنگام جذب مربیان با سابقه پیش دبستانی خبر داد و گفت: در مقابل آن دستور ممنوعیت بکار گیری همکاران بازنشسته ابلاغ شد که اکنون فعالیت بازنشستگان لغو و بکارگیری نیروهای پیش دبستانی به عنوان حق التدریسی در حال اجرا است.

وی عنوان کرد: تعداد کل دانش آموزان استان ۱۸۰هزار ۵۰۰ نفر است که میزان ثبت نام ها در مقایسه با سال گذشته ۴ درصد رشد داشته است.

کرمی با بیان اینکه ثبت نام اتباع خارجه در سه شهر دیلم، گناوه و ریگ ممنوع است، خاطرنشان کرد: در شهرهای دیگر استان ثبت نام این افراد سهولت بیشتری صورت گرفته و منجر به ثبت نام ۳هزار و ۹۹۲ دانش آموز شده است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر با اشاره به دستور استاندار بوشهر به مدیران کل سازمان ها، اظهار کرد: طرح هر مدیر معین یک مدرسه در استان در حال اجرا است و در قالب این طرح مسوولین با تحت حمایت قرار دادن یک مدرسه، کمک های مختلف فکری و مالی به مدرسه ارایه می کنند.

ثبت نام ۵ درصد از دانش آموزان استان در مدارس غیر دولتی

کرمی در ادامه افزود: با عنایت استاندار و تصویب در شورای آموزش و پرورش، قطعی برق در هیچ مدرسه صورت نخواهد گرفت و با تفکیک برق مراکز آموزشی پرداخت قبض برق توسط مدارس صورت خواهد گرفت.

مدیرکل آموزش و پرورش با عنوان اینکه بدهی های برق مراکز آموزشی تنها منحصر به استان بوشهر نبوده است، عنوان کرد: جلساتی در خصوص پرداخت این بدهی صورت گرفته است که تا کنون راه حلی پیدا نشده است.

کرمی با بیان اینکه ۱۱هزار و ۸۰۰ دانش آموز استان در مدارس غیر دولتی ثبت نام کردند، خاطر نشان کرد: این تعداد ۵ درصد دانش آموزان را شامل می شود که در ۱۴۳ واحد آموزشی سال تحصیلی خود را آغاز می کنند.

ادعای رفع مشکلات معیشت فرهنگیان با اجرای رتبه بندی غلط است

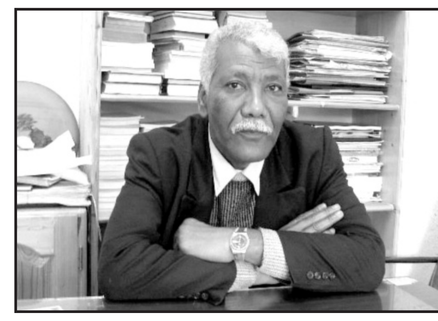
وی با بیان اینکه، رتبه بندی معلمان در استان بوشهر انجام شده است و ابلاغ آنها صادر شده است،گفت: ادعای حل مشکلات معیشت فرهنگیان با اجرای طرح رتبه بندی معلمان غلط است زیرا طرح اجرا شده گام نخست است و تا اجرایی کامل برنامه تدوین شده فاصله وجود دارد. کرمی در خصوص برنامه های صورت گرفته در معاونت های مختلف این اداره کل، گفت: اجرای طرح های مختلف ترویج فرهنگ تغذیه سالم، تربیت بدنی حیات پویا، المپادهای مختلف درون مدرسه ای، تقویت ورزش صبحگاهی ... در کنار برنامه های علمی صورت گرفته است.

وی از نیاز تجهیزات مختلف در مدارس خبر داد و گفت: دو نیاز عمده مدارس لوازم سرمایشی و میز و نیمکت بوده است که با دستور استاندار کولرها، خریداری و ۱۵ هزار میز و نیمکت تعمیر و خریداری می شود. کرمی از اجرای طرح توزیع شیر در مدارس استان از ابتدای مهر خبر داد و گفت: این طرح در تمامی مدارس ابتدایی و متوسطه اول انجام خواهد شد.

نقد کتاب یا عقده گشایی!؟

واکنشی به نوشته های محمد محبوبی در نسیم جنوب

خورشید فقیه



چندی پیش، به اصرار و درخواست دوست بزرگوارم جناب یونس قیصی‌زاده مدیرمسئول هفته نامه نسیم جنوب و به بهانه انتشار کتاب «بندرریگ در مبارزه با استعمار» اینجانب، مصاحبه ای با من صورت گرفت که در شماره ۷۸۳ مورخه ۱۸مرداد ۹۴ آن نشریه به چاپ رسید. در پی انتشار آن مصاحبه، فردی بنام محمد محبوبی، در واکنش به آن، مطالبی را در شماره های ۷۸۶ و۷۸۷ نسیم جنوب و تحت عناوین «بی پروایی در تطهیر میرمهنا» و «ستایش بی مورد میرمهنا» منتشرکرد که از این بابت و به جهاتی سپاسگزارشان هستم.

راستش زمانی که بخش نخست نوشته ایشان با عنوان «بی پروایی در تطهیر میرمهنا» را خواندم، قصدم بر این بود که بنا به توصیه دوستانی که ایشان را بخوبی می شناختند و با اهداف، روحیه و منش اخلاقی او آشنایی کامل دارند و اصولا آن نوشته را نیز فاقد ارزش پاسخ دهی دانسته و شایسته ترین جواب را همانا سکوت و خاموشی می دانستند، آن را بی جواب بگذارم و مطالبش را که بنظر می رسد بیشتر ناشی از نوعی عصبیت و سرریز عقده ها و روان پریشی های حاصل از ناسازگاریها و نا بهنجاری های تحمیل شده بر زندگی شخصی و خصوصی اوست، به حال خود واگذارم و بیش از این موجبات تشدید عوارض روانی مبتلا به او را فراهم نسازم و به او اجازه دهم تا همچنان دلخوش و متوهم به همان عنوان «کارشناس فوتبال» باشد که برنامه «نشان» تلویزیون بوشهر به او اعطا می کند. ولی وقتی که ادامه‌ی نوشته اش با عنوان «ستایش بی مورد میرمهنا» را در شماره بعدی نسیم جنوب مطالعه نمودم و در لابلای نوشته های او، به عبارت «برادر عزیز! در مورد مناظره، اولا روی سخن شما با بنده‌ی منتقد شما جهت مخالفتم با میرمهناست» برخورد نمودم و دانستم که نوشته ی او در واقع واکنشی عصبی است به پاسخ من به سئوال مصاحبه گر نشریه که گفته بودم هرگز حاضر به مناظره با افراد یک کتابخوان نیستم، آن هم به این دلیل که آنان بجز سفسطه و لفاظی و از این شاخه به آن شاخه پریدن بمنظور ایجاد انحراف در مجرای اصلی مباحثه، چیز دیگری در چنته ندارند، دریافتم که این همه دست و پازدن‌های هتاکانه و بی ادبانه اخیر ایشان، همانا مصداق «چوب را که برداری، گربه‌ی دزد فرار می کند» است، و انتقاد او از من هم بابت بقول ایشان اهانت به اهل قلم، فقط تلاشی است برای جا دادن انجوچک درآجیل!!

به همین خاطر، تصمیم گرفتم بی اعتنا به ادبیات معمول ایشان، و آنچه پیرامون شخص خودم نوشته اند، حداقل و به ایجاز، پاسخی بدهم به برخی از نامربوط گویی های تاریخی وی.

کسانی که اهل مطالعه ی کتاب بمنظور کسب علم و دانشی هستند، بر این قاعده اشراف دارند که وقتی اثر نویسنده ای منتشر می شود، اگر واجد ارزش نقد و بررسی شکلی و محتوایی باشد، اهل فن، آن را با سازوکارهای مخصوص به خود و با دانشی که در مورد موضوع کتاب دارند، با ادبیاتی فاخر و محترمانه مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داده و به ذکر قوت و ضعف های آن می‌پردازند، و اگر هم ارزشی برآن مترتب نباشد، آن را به کناری گذاشته و اوقات خود را صرف آن نمی نمایند. ولی هرگز دیده نشده که فرد سلیم النفس و با دانشی، در مقام منتقد، به جای پرداختن به محتوای اثر، به خالق اثر بپردازد و نقد را بهانه‌ای برای تسویه حساب با پدیدآورنده آن نموده و فرصتی برای تخلیه عوارض منفی نابهنجاریهای روانی خویش به حساب آورد. چون اصولا آوردگاه نقد، میدان بده و بستانها و یا انتقام گیری های شخصی نمی باشد.

اولا برای من و با استناد به نوشته ایشان، معلوم نشد که وی با من مشکل و مساله ای دارد، و یا با میرمهنای بندر ریگی و اصل واقعه ای تاریخی که حدود دویست و شصت سال از عمر وقوعش می گذرد!؟ اگر بابت همان پاسخ من که در بالا به آن اشاره گردید با من مساله ای دارند، به هیچ وجه جای حل و فصل آن درگفتمان نقد نیست، و اگر هم با شخصیت میرمهنا و آن حادثه ای که من با توجه به برداشت های خودم که مغایر با برداشت های ایشان است به آن پرداخته ام، راه حل مقابله ی با آن نیز چنین است که اگر خیلی مهم و با اهمیت تلقی می‌نمایند و در این خصوص احساس مسئولیت می کنند، چنانچه در توانشان هست و مدارک و اسناد متقنی در دست دارند، یا زحمت نوشتن کتاب یا رساله ای در این خصوص را به خودشان بدهند، و یا اینکه با یک نقد جامع و علمی و بدون نیاز به مجادله و سعی در تخریب و تخفیف شخصیت نویسنده، نظرات و برداشت های خود را در هر رسانه ای که می دانند، منتشر نمایند تا بیش از این افرادی مانند من، موجبات بقول ایشان تحریف تاریخ و قلب حقایق را فراهم ننمایند. چون بدون تردید، تداوم چنین برخوردهای کلوخ اندازانه، در نهایت پاداش هایی از نوع سنگ است که شایسته‌ی هیچ فرد با پرنسیب و مدعی داشتن فکر و اندیشه نمی باشد.

در اینجا لازم می دانم تا پیش از پرداختن به برخی از ادعاهای باصطلاح تاریخی ایشان و اصلاح یا ردّ آن ها، و نیز تلاش های شگفت انگیزشان در تبرئه ی کشور استعمارگر هلند و تخفیف ارزش مبارزات گروهی از هموطنانشان با اهداف استعماری آن کشور، ضروری است تا در پاسخ به ابهام اولیه نامبرده در خصوص چرایی انتخاب نام ویرایش جدید کتاب «زوال دولت هلند در خلیج فارس»، من از عنوان «بندر ریگ در مبارزه با استعمار» استفاده کرده ام!؟ هر چند که او پاسخ ذهنی خود را ظاهرا یافته و به ذکر آن پرداخته اند، ولی نه آن گونه که وی، این عمل را نوعی زیرکی من بمنظور نزدیک نمودن خویش به اهالی بندرریگ (آن هم بدون ذکر چنین ضرورتی برای من) دانسته اند، و نه آن طور که ایشان معتقدند «چون نیت من عاری از صداقت است، به دل مخاطبین نخواهد چسبید»، هر چند که نگفته اند اگر واقعا به نوشته ی خود باور دارند، پس چرا تا به این اندازه نگران کارآیی این «زیرکی» و «ترفند» بکارگرفته شده از سوی من هستند!؟ چون بقول ایشان «اهل قلم و مردم آگاه بندرریگ، هوشیارتر و خرد ورز تر و باسوادتر از این ترفندها هستند» که فریب نوشته های افرادی مانند مرا بخورند و آخرالامر نیز برای دهن کجی به یاوه گویی های ضد تاریخی دیگرانی که معلوم نیست چه اصراری بر نفی فداکاری های اجدادشان دارند، مجسمه ی سردار خود را در میان یکی از میادین ورودی شهرشان نصب نمایند!؟ ضمنا چه خوب بود اگر ایشان قدری از عصبانیت خود را فرو می نشاندند و قبل از آنکه مرا متهم به طرح مطالب بدون سند و مدرک نمایند، نگاهی هم به این اعتراف صریح خود که مغایر است با ادعای بی سند و مدرک بودن مطالب من می انداختند: «جالب اینجاست و قابل تاکید است که جناب فقیه، مطالبی را که خود از روی اسناد نوشته است و چیزی از خود ندارد و کتابش با همین اسناد شکل گرفته و محتوایی غیر از این ندارد و چنانچه مطالب اسناد مزبور را از کتاب مورد نظر حذف کنیم چیزی از آن باقی نخواهد ماند» !!!

ضمنا لازم است به ایشان بیاموزم که میان داستان سرایی و «ذهنیت سازی»، با یک تحقیق تاریخی تفاوت زیادی وجود دارد، آن هم مربوط به حادثه ای که حدود دویست و شصت سال است که از زمان آن گذشته است. داستان سرایی، صرفا حاصل ذهن و خلاقیت های هنری نویسنده است بدون نیاز به اسناد و مدارکی متقن، ولی تاریخ نگاری، بیان واقعی و بقول استاد برجسته ی تاریخ، جناب دکتر

> **میان داستان سرایی و «ذهنیت سازی»، با یک تحقیق تاریخی تفاوت زیادی وجود دارد، آنهم مربوط به حادثه ای که حدود دویست و شصت سال است که از زمان آن گذشته است. داستان سرایی، صرفا حاصل ذهن و خلاقیت های هنری نویسنده است بدون نیاز به اسناد و مدارکی متقن، ولی تاریخ نگاری، بیان واقعیت حوادث پیشین است با استفاده از اسناد، مدارک و منابع مختلف و تجزیه و تحلیل وقایع تا کسب نتایجی مشخص**

احمد اقتداری «درست نمایی و نه درشت نمایی» حوادث پیشین است با استفاده از اسناد، مدارک و منابع مختلف و تجزیه و تحلیل وقایع تا کسب نتایجی مشخص، آن هم براساس بینش، نحوه ی تفکر و برداشت های خاص نویسنده که ممکن است باب طبع کسی هم نباشد. و اما یک درس دیگر اینکه، یک تاریخ نگار برجسته و خبره نیز کسی است که بتواند بمنظور ایجاد اشتیاق در خوانندگانش برای پیگیری وقایع، حوادثی را که باستناد اسناد و مدارک موجود نقل می کند، بگونه ای بیان نماید که بقول ایشان «گویی خود، همزمان با میرمهنا زندگی کرده و یکی از سرداران او بوده است»!!! و اما این که چرا من برای این کتاب، از عنوان «بندرریگ در مبارزه با استعمار» استفاده کرده ام، صرفا به این علت است که درکتاب اخیر، علاوه بر ویرایشی تازه ازکتاب «زوال دولت هلند در خلیج فارس با ظهور میرمهنای بندرریگی»، متضمن مقالات و تکمله هایی از برخی نویسندگان و منتقدین گرانقدر چاپ قبلی است که نهایتا این کتاب را تبدیل به اثری نموده است متفاوت با آنچه درگذشته بود، بنابراین و بر اساس توصیه دوستی دانشمند، این نام جدید را انتخاب کردم تا اگر هیچ خاصیتی هم که نداشته باشد، موجبات عصبیت کسانی را فراهم سازد که خود را بی آنکه باشند، نخود هر آشی می پندارند و در هر زمینه ای صاحب نظر!! ولی نکته مهم و آخر در مورد شخصیت نویسنده مطلب که مرا توصیه به رعایت اخلاق نویسندگی کرده اند، ذکر فعلا یکی از بارزترین و غریزی شده ترین روش و رفتارهای غیراخلاقی وی در وارونه نمایی و قلب گفته های دیگران به مخاطبینی است که او فکر می کند ممکن است از اصل ماجرا خبر نداشته باشند. بعنوان مشتی از خروار، این عبارات ایشان است در همین نوشته ی اخیرشان: «باز هم آقای فقیه، با شتاب و دست پاچگی و بی اعتنا به همه‌ی مستندات موجود در سیره‌ی میرمهنای وغایی، وارد محله ی امام زاده ی بوشهر شده‌اند و شخص دیگری با نام میرمهنای موسوی امام زاده‌ای را که خود اصل و نسب و کنیه‌ای مخصوص به خود دارد و تنها تشابه اسمی با میرمهنای امامت قلبی جناب فقیه را داراست، به جای میرمهنای وغایی ولد میرناصر، قصد قالب کردن ایشان را دارند و سردار ملی ذهنی خود را از سادات بحرینی و به اعقاب موسی کاظم رسانیده اند» !!!؟

در واکنش به آنچه ایشان نوشته اند، ضروری می دانم تا به منظور پی بردن خوانندگان به عمق صداقت گفتاری و ماهیت اخلاقی محمد محبوبی – که البته در تمام زمینه ها نیز ساری و جاری است– و مرا به رعایت اخلاق و صداقت نویسندگی توصیه نموده اند، عین آنچه که من در بخش «اصل و نسب و سوابق خاندان وغایی» در صفحه ی پنجم کتابم نوشته ام را در این مورد خاص، بازنویسی می کنم و قضاوت را بر عهده‌ی خوانندگان فهیم نشریه می گذارم: «به اعتقاد آقای سید احمد مهیمنی، یکی از سادات و معمرین بوشهری که تحقیقاتی در مورد میرمهنا کرده و به استناد اسناد و مالکیت چند قطعه زمین زراعی که در اختیار دارد، و نیز براساس شجره نامه خانوادگی خودش، موطن اولیه خاندان وغایی در ایران، محله امام زاده بوشهر که در مجاورت شهر باستانی ریشهر قرار دارد بوده است. او این خاندان را از اعقاب امام موسی کاظم و جزئی از سادات بحرانی می داند، به همین خاطر وی در دست نوشته های خودش، میرمهنا را میرمهنای موسوی امام زاده ای نوشته است. ضمنا برخلاف نظر تمامی مورخین و محققین، ایشان میرناصر را برادر میرمهنا می داند، در صورتی که میرناصر پدر او بوده است. گرچه نظریه آقای احمد مهیمنی با توجه به وجود زمین هایی بنام میرناصر، میرمهنا، میرعلی و میرحسین در محله امام زاده، و نیز اسناد مالکیتی که در اختیار داشته و تصویر یکی از آن ها در این کتاب به چاپ رسیده است، جای تامل و بررسی بیشتری دارد، اما چون مستند به اسناد متقن نبوده و با روایات نسبتا معتبرتری که در اکثر کتب تاریخی آمده است قرابتی ندارد، متاسفانه از اعتبار چندانی برخوردار نمی باشد»!!، که البته این مطالبِ من نیز، در ادامه‌ی نوشتن و پرداختن به نظریات مختَلف مورخین داخلی و خارجی است که در خصوص اصل و نسب خاندان وغایی، مطرح شده است!! خوب حالا خود قضاوت کنید و میزان صداقت نویسنده و دست و پازدن های او برای اثبات درستی نوشته ها و گفته های معمولا لجوجانه اش در تمامی زمینه هایی که در هر جایی و با هر کسی و در هر موردی می گوید و می نویسد را دریابید!!

البته سخن پیرامون تک به تک موارد از این دست ایشان زیاد است، اما چون هم ارزش پاسخگویی ندارند و هم این که موجب اتلاف وقت خواندگان محترم این نوشتار می شود، و هم این که تا به همین اندازه در معرفی شخصیت اخلاقی و علمی ایشان کفایت می کند، فعلا از پرداختن به آنها خودداری می کنم و به بیان مختصر فقط چند نمونه اندک از صدها سند و منبع معتبر موجود می پردازم آن هم با این امید که «در خانه اگر کس است یک حرف بس» باشد، تا ببینید که ایشان چگونه با نادیده انگاری و قلب حقایق، به طرزی سئوال برانگیز و مشکوک و لجوجانه و برخلاف صراحت های تاریخی، تلاششان را متمرکز بر غیر استعماری نشان دادن کشور هلند نموده است و تخفیف مبارزات اهالی بندرریگ و میرمهنا!؟

ایشان در اظهارنظری به نقل از ویلم فلور هلندی نوشته اند: «در قرن ۱۶میلادی، سرزمین هلند بخشی از کشوری بود که پادشاه اسپانیا بر آن حکمرانی می کرد و در سال ۱۷۵۴ با نام جمهوری متحده هلند از استعمار اسپانیا خارج گردیده استقلال می یابد»، و سپس نتیجه می گیرد که چنین کشور مستعمره ای هرگز نمی توانسته که در یک چنین زمانی، خود استعمارگر بوده باشد!؟ و بعد با اتکا به یک چنین نوشته ای، سعی بر انکار تمامی مدعیات و نوشته ها و بطورکلی نه تنها مطالب کتاب «بندرریگ در مبارزه با استعمار» می نماید، بلکه بر تمامی اسناد و مدارک موجود در جهان، و حتا بر مطالب سطور و صفحات بعدی همان کتاب نویسنده مورد استنادش نیز خط بطلان می کشد تا ثابت کند که این یک کتابخوان ها، واقعا چه عجوبه های خطرناکی برای ورود به گفتمان های تاریخی هستند!!؟ و اما در خصوص نقل قول بالا که برگرفته از کتاب «هلندیان در بوشهر و خلیج فارس» ویلم فلور است و معتقد به اینکه هلند «از قرن ۱۶میلادی [۱۵۰۰] تا سال ۱۷۵۴مستعمره اسپانیا بوده»، ضمن این که در هیچ منبع معتبری چنین دروغی که خوشایند محبوبی است یافت نمی‌شود، سئوال اینجاست که چرا این ابهام درذهن این نابغه‌ی منورالفکر و خرده بین ولایت ما خطور نکرد که از خود بپرسد اگر واقعا در یک چنین زمان تقریبا ۱۵۰ساله، هلند کلا مستعمره‌ی اسپانیا بوده و بنا بر طبیعت مستعمره بودن، هیچ رسمیت و اختیاری که کشورهای مستقل دارند را دارا نبوده، پس چگونه در سال ۱۶۲۳ نمایندگان شرکت واک از سوی دولت هلند، با شاه عباس اول صفوی پادشاه ایران، مبادرت به عقد قراردادهای به آن مهمی می نماید!؟ چرا در سال ۱۶۲۵ که در خلیج فارس و اروپا جنگ خونینی میان دولت هلند و انگلیس رخ می دهد، و یا در سال ۱۶۴۵ و در زمان شاه صفی صفوی که هلندیان بندرعباس و دیگر بنادر ایرانی را محاصره و جزیره قشم را متصرف می شوند، و نیز در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی مجددا وارد جنگ با ایران و غرق نمودن کشتی های ایرانی و تسخیر مجدد قشم می‌شوند، و... کلیه این قضایا نیز در محدوده همان ۱۵۰ ساله نیز صورت می پذیرد، ما هیچ رد پا و اثر و مداخله و حتا نامی از اربابان بقول محبوبی استعمارگر اسپانیایی آنان را در هیچ صفحه ی تاریخی مشاهده نکرده و نمی کنیم!؟ آیا پیش نیامدن چنین سئوال و ابهاماتی در ذهن محبوبی، نشانه‌ی همان یک کتاب خوان بودن ایشان نیست که باعث گردیده تا او با همین یک سطر نوشته ی فلور، متقاعد شود که هلند یک کشور استعمارگر نبوده است!؟

قواعد بازی در قرن بیست و یکم

قاعده اول: کسی از راه پس انداز پول خود به ثروتی هنگفت نرسیده است. ثروتمندان در پی یافتن فرصت هایی هستند که در شرایط عدم تعادل های بزرگ سرمایه گذاری کنند. راکفلر و بیل گیتس هر دو همین کار را کرده اند. در هر دو مورد پس انداز دوران عمرشان بخشی کوچک از کل ثروت آنها را تشکیل می دهد. کسی که پول خود را با دقت پس انداز و در شرایط تعادل طبیعی سرمایه گذاری کند می تواند در سن بازنشستگی خود راحت باشد، اما هیچ گاه ثروتمند نخواهد شد.

قاعده دوم: شرکت ها و بنگاه های موفق باید وضع موجود خود را برهم بزنند تا نجات یابند. نظم کهنه را باید زمانی که هنوز سرپاست دور بریزند تا بتوانند نظم نو را به جای آن بسازند. اگر خود را در آب فرو نبرند، دیگران سرشان را زیر آب خواهند کرد.

قاعده سوم: شرکت هایی که می خواهند رشدی سریع و سودی کلان داشته باشند باید از عدم تعادل های ناشی از تحول فناوری بهره برداری کنند، از تعادلهای ناشی از توسعه بهره گیری کنند، یا این که عدم تعادل های جامعه شناختی ایجاد کنند. فعالیت های دیگر هر چه باشند و رشد کنند، بازدهی اندک دارند.

قاعده چهارم: درک و تشخیص و پذیرفتن محدودیت های برخاسته از ضعف های ذاتی خود, مهم است و آغاز خردورزی سازمان ها از کامیابی در بکارگیری منابع خویش در جاهایی است که این ضعف ها خود را نشان ندهند.

قاعده پنجم: هیچ عاملی جای مردان و زنان باکفایت و کارورز مدیر را نمی گیرد. برندگان این طایفه صاحب ثروت و قدرت می شوند، اما اگر این ها نباشند کشور فقیر و ناتوان می گردد. کهنه نمی رود، نو نمی آید.

قاعده ششم: جامعه ای که نظم را از هر چیز دیگر برتر بداند، خلاق نخواهد بود. اما اگر درجه مناسبی از نظم نباشد، خلاقیت دود می شود و به هوا می رود.

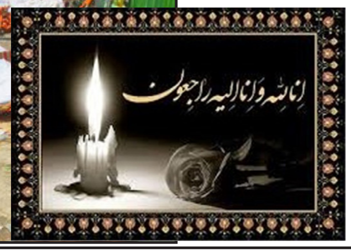
قاعده هفتم: از نظر علم اقتصاد، بازده اقتصادی سرمایه گذاری هر چه بیشتر در تحقیقات اجتماعی پایه و اساسی، چنان روشن است که جای چون و چرا ندارد. قاعده هشتم: سرمایه داری متکی به دانش و اطلاعات بدون وجود نظامی جدید که تکلیف مالکیت حقوق ناشی از دارایی علمی و فکری و تخصصی را روشن کند از کار خواهد افتاد. سرمایه داری به حقوق مالکیت روشن، بی چون و چرا و قابل اجرا نیاز دارد.

قاعده نهم: بزرگترین مجهول برای کسی که در اقتصاد متکی به دانش، زندگی می کند این است که چگونه یک کارراهه داشته باشد. در حالی که کارراهه ای وجود ندارد. قاعده دهم: فقط کسانی ابزار می سازند که دل در گرو آینده داشته باشند. کسانی که در ساختن ابزار کوتاهی می کنند، به رغم هر ادعایی، علاقه ای به آینده ندارند.

منبع: ثروت آفرینان، نویسنده لستر تارو

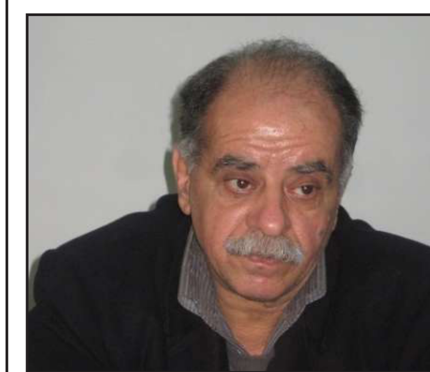
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر





در سوگ افشین پرتو مورخ شهیر گیلانی

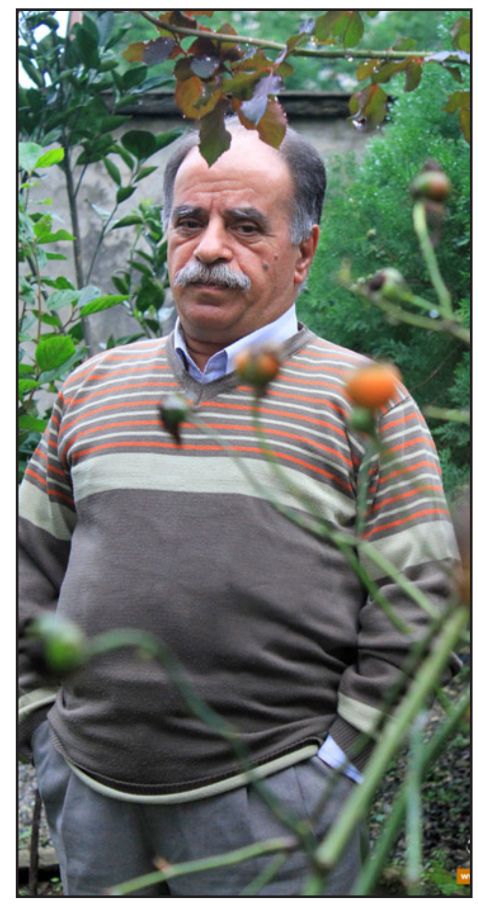
درگذشت پژوهشگری که در شمال، به فکر جنوب و بوشهر بود



یونس قیصی زاده: متاسفانه افشین پرتو مورخ شهیر گیلانی جان به جان آفرین تسلیم نمود. آن شادروان گرچه به عنوان پژوهشگر تاریخ گیلان شناخته می شود، اما عشق به ایران و تاریخ پر فراز و نشیب آن، وی را به جنوب و بوشهر کشاند، بطوری که درباره تاریخ جنوب و حمله انگلیس به بوشهر چندین کتاب ارزشمند ترجمه نمود.
یکی از خدمات این نویسنده و مترجم، ترجمه کتاب راپورت های مسترچیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول است که پس از گذشت یک قرن، پرده از یکی از تاریکترین و مبهم ترین صفحات تاریخ جنوب یعنی چگونگی شهادت رئیسعلی دلواری برداشت و دخالت و توطئه انگلیسی ها در قتل رئیسعلی را ثابت نمود.
خدایش بیامرزد که نویسنده ای پرکار، مترجمی دقیق، بزرگواری کوچک نفس، استادی فروتن و عاشقی دلسوخته ایران زمین بود که سعی داشت با تاباندن روشنایی بر زوایای تاریخ این کشور، ایران عزیز را در راه دشواری که پیش رو دارد، یاری رساند.

افشین پرتو هم آرام گرفت

سید قاسم یاحسینی



رابطه دوستی من با افشین پرتو به بیست سال پیش بازمی گردد، زمانی که مشغول تدارک کنگره ی هشتمین سالگرد شهادت رییسعلی دلواری بودیم از طریق دوستی با ایشان آشنا شدم و ایشان ترجمه ی کوتاهی از یکی از افسران سوئدی درباره ی رییسعلی دلواری و اوضاع جنوب ایران در جنگ جهانی اول را برای کنگره ترجمه کرد که با عنوان «شاخه نبات» در سال ۱۳۷۳ در انتشارات کنگره منتشر شد. از آن پس بارها و بارها در سمینارها و کنگره های متعددی در تهران و شیراز و بندرعباس و البته بوشهر همدیگر را دیدیم و دوستی عمیقی بین ما شکل گرفت.
در سه سال اخیر افشین پرتو حدود شش کتاب از خاطرات رجال سیاسی و یا چهره های اقتصادی اروپایی و بیشتر انگلیسی برای دانشنامه استان بوشهر ترجمه کرد که به باور من مهم ترین آن ها خاطرات و یادداشت های «هربرت چیک» نایب کنسول بریتانیا در بوشهر در سال های جنگ جهانی اول بود که در دو جلد در سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ چاپ و منتشر شد. انتشار این کتاب از زوایای مختلف قابل توجه هست که شاید یکی از مهم ترین آن موارد، نقش مسترچیک و انگلیسی ها در توطئه ی ترور و به شهادت رساندن رییسعلی دلواری بود.
شادروان افشین پرتو در زمینه ی گیلان پژوهی، یکی از پرکارترین مورخان شمالی به شمار می رفت و کتاب های مختلف و متعددی درباره زادگاه و دیارش ترجمه، تصحیح و تالیف کرد.
یکی از ویژگی های خاص این محقق ارجمند نثر بسیار شیوا و منحصر به خودش بود؛ معتقد به شیوانویسی بود و انصاف در ترجمه ها و متونی که می نوشت این شیوایی و زیبایی نثر را کاملا قابل برجسته می کرد.
تخصص بعدی مرحوم پرتو تاریخ معاصر ایران بود، وی علاوه بر زبان فارسی مطالعات بسیار عمیقی به زبان های انگلیسی و روسی داشت و در سفرهای متعددی که به روسیه و کشورهای حوزه قفقاز انجام می داد اسناد و مدارك بسیار مهم و ارزشمندی جستجو و پیدا می کرد و با خود به ایران می آورد.
فقدان این محقق و مترجم ارجمند ضایعه ای مهم برای گیلانی ها و البته ما بوشهری ها به شمار می رود و من خیلی متاسفم که نتوانستیم بیش از این از وجود آن عزیز از دست رفته بهره ببریم.
در پایان ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم ایشان و اهالی گیلان، باید متذکر شوم که دو کتاب جدید ترجمه شده آن شادروان در دانشنامه استان بوشهر موجود است که امیدوارم که به همت آقای سیدزاده مدیر حوزه هنری تا پایان سال جاری به زیور طبع آراسته گردد.

آن دو مترجم شهیر، زنگنه و پرتو

دکتر عبدالکریم مشایخی رییس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر

۲۸ شهریور سال ۱۳۹۳ در تقویم سال شمار بوشهر روزی تلخ و ناگوار است که با خبر درگذشت استاد فرزانه حسن زنگنه مترجم گرانسنگِ آثار خلیج فارس شناسی رقم خورده است. در آن روز ایران عزیز و دوستداران مباحث خلیج فارس شناسی، پژوهشگر و مترجمی را از دست دادند که به قول شادروان دکتر باستانی پاریزی هرکس که می خواست خلیج فارس را بشناسد باید آثار ترجمه شده ی او را می خواند. ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ خورشیدی بار دیگر ما شاهد فقدان و درگذشت مورخ، پژوهشگر و مترجم دیگری بودیم که هر چند علاقمند به پژوهش در تاریخ معاصر گیلان و نهضت جنگل بود امّا در چند سال گذشته با ترجمه ی آثاری چون "شاخابه پارس و روزگارش" و "گزارش های مسترچیک ......" و "مسترچیک بعد از جنگ جهانی اول ... و "جنگ جهانی اول و فارس" با رویکرد و علاقمندی به مباحث خلیج فارس شناسی و رویدادهای جنوب ایران رفته رفته قدم در راهی گذاشته بود که می توانست خلاء وجودی استاد زنگنه را جبران نماید.
اما متأسفانه چنین نشد. بنا به بقول انوری:

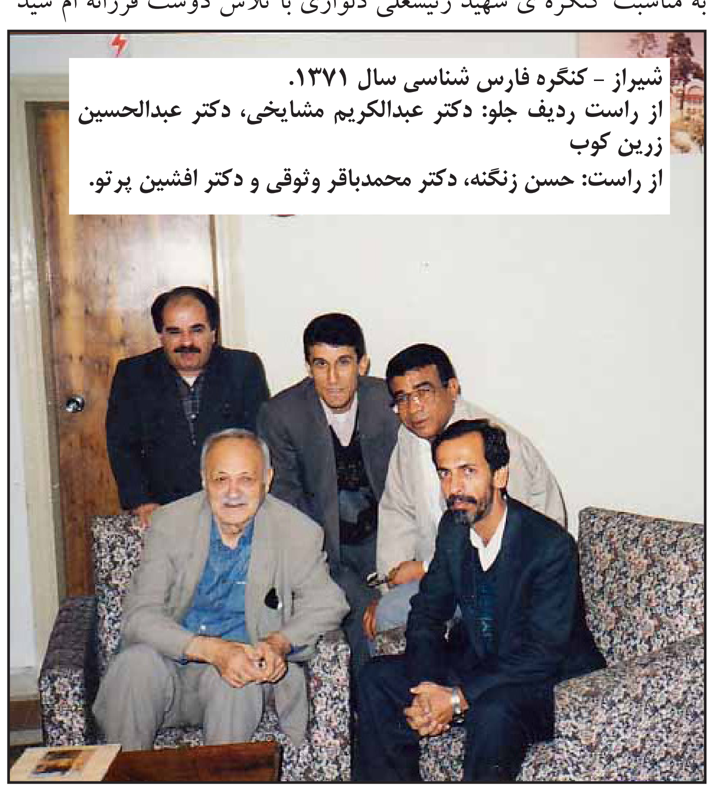
هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی
چنان که در آیینه ی تصور ماست.

دکتر افشین پرتو متولد ۱۳۲۸ خورشیدی در مشهد را از آغاز فعالیت های پژوهشی در بنیاد ایرانشناسی می شناختم. انسان فهیم، آگاه و متواضع که به دلیل علاقمندی به تاریخ و فرهنگ ایران به ویژه خطه ی گیلان و مازندران، پژوهش های کتابخانه ای و میدانی فراوانی در این زمینه انجام داده بود. پرتو شغل شریف معلمی را داشت و فارغ التحصیل رشته ی تاریخ در مقطع دکتری از دانشگاه مسکو بود. کمتر همایش و کنگره ای بود که در سطح ایران برگزار شود و دکتر پرتو با ارائه ی مقاله در آن مناسبت ها حضور نداشته باشد. از خاطرات مشترکمان شرکت در کنگره ی فارس شناسی بود که با عنوان "کورش یا ذوالقرنین" در شیراز برگزار شد، دانشمندانی مانند "مادام کخ" نویسنده ی کتاب "زبان داریوش" هم از آلمان در این کنگره شرکت کرده بودند. از دانشمندان ایرانی، حضور پدر تاریخ ایران "دکتر



از راست ردیف جلو: دکتر عبدالکریم مشایخی، دکتر افشین پرتو و حسن زنگنه – پشت سر: دکتر ایرج نبی پور

عبدالحسین زرین کوب" و "دکتر باستانی پاریزی" در آن کنگره بود که با سخنرانی های عالمانه خودشان جلوه ای خاص به آن نشست تاریخی دادند. دکتر پرتو هم در آن کنگره شرکت کرده بود و هرگز فراموش نمی کنم که در جلسه ای با حضور دکتر زرین کوب وقتی که دوست مشترکمان دکتر محمدباقر وثوقی پیشنهاد گرفتن عکس با شادروان زرین کوب را دادند، زنگنه و پرتو بلافاصله از این پیشنهاد استقبال کردند و نتیجه ی آن برداشتن تصویری شد که همواره به وجود آن افتخار می کنم. به نظر می رسد که مقدمات آشنایی زنگنه و پرتو هم در آن کنگره فراهم گردید. در سالهای بعد که بنیاد ایرانشناسی شعبه ی بوشهر همایش ها و کنگره هایی به مناسبت های مختلف تاریخی برگزار می کرد، پرتو از شرکت کنندگان در آن نشست های علمی بود و از آنجایی که در ایام حضور در بوشهر همواره در کنار زنگنه قرار داشت و با این مترجم آثار خلیج فارس شناسی حشر و نشر داشت، همین مجالست ها مشوق ایشان در انتخاب گزینش منابع و مآخذی بود که مباحث آنها ارتباط تنگاتنگی با متون و اسناد خلیج فارس داشت و آن گونه که نوشتم در سال های پایانی زندگی این پژوهشگر تاریخ، فکر و ذکر او را به خود مشغول کرده بود. شادروان پرتو، در طول حیات علمی اش بیست و دو عنوان کتاب تألیف، تصحیح و ترجمه نمود که از این مجموعه ی با ارزش چهار کتاب مرتبط با مباحث خلیج فارس شناسی و تاریخ منطقه ی فارس و بوشهر بود. کتاب "شاخ نبات" او که در سال ۱۳۷۳ خورشیدی به مناسبت کنگره ی شهید رئیسعلی دلواری با تلاش دوست فرزانه ام سید



شیراز – کنگره فارس شناسی سال ۱۳۷۱.
از راست ردیف جلو: دکتر عبدالکریم مشایخی، دکتر عبدالحسین زرین کوب
از راست: حسن زنگنه، دکتر محمدباقر وثوقی و دکتر افشین پرتو.

قاسم یاحسینی در مجموعه ی آثار کنگره به چاپ رسید، اولین اثری بود که به سفارش اعضای هیأت علمی کنگره به دست پرتو ترجمه شد. این کتاب خاطرات افسری سوئدی به نام سرگرد نیلستروم بود که در سال ۱۳۸۹ خورشیدی با عنوان «جنگ جهانی اول و فارس، خاطرات سرگرد نیلستروم سوئدی در سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ میلادی» توسط انتشارات فرهنگ ایلیا با مطالبی جامع تر به چاپ رسید. پرتو با ترجمه ی گزارش های مسترچیک برای اولین بار راز شهادت سردار جنوب ایران رئیسعلی دلواری را آشکار ساخت و اسناد و مدارکی در اختیار پژوهشگران تاریخ جنوب ایران در سال های آغازین جنگ جهانی اول قرار داد که قطعاً در رویکرد علمی و مستند به وقایع آن دوران تأثیرگذار خواهد بود. یاد و خاطره او را گرامی می داریم.
عاش سعیدا و مات سعیدا



بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر – سال۱۳۹۳ خورشیدی
از راست: حمید رمضانی (کتابدار)، دکتر افشین پرتو و علیرضا مظفری زاده.

معماری بوشهر

بوشهر – خانه حمال باشی زاده

بنایی زیبا و منحصر به فرد در میان ساختمان های



تخریب شده. به جرات می توانیم بگوییم که تنها ساختمانی که در اتاق "شاه نشین" آن از تزیینات آینه کاری (نقش گل ها و پرندگان) و گچبری استفاده شده بود.
قدمت بنا که به اواسط دوره قاجار می رسد، در دو طبقه و در محله "شنبدی" و توسط حاج عبدالرسول کلانتر (حمال باشی زاده) بنا شده بود.
حاج عبدالرسول طی چند نوبت به عنوان کلانتر بوشهر بوده و رییس حمال ها و دادن کار به آنها هم بوده است.
بنا در دو طبقه (همکف و اول) ساخته شده بود و از اتاق های آن به عنوان؛ خزینه، انباری، صندوقخانه، شاه نشین، اتاق تابستان نشین و.... استفاده می شد. تصویری از چهره ناصرالدین شاه بر روی دیوار اتاق شاه نشین نقاشی شده بود.
این بنا دارای درها، پنجره ها و یک ارسی زیبا بود.
بنا در اسفند ۱۳۸۲ تخریب شد.
برگرفته از کتاب "معماری بوشهر در دوره زند و قاجار"/نویسنده: فراز غلام زاده/ صفحه ۱۴۵.

انتخابات هیئت‌مدیره نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر برگزار می‌شود

مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر گفت: انتخابات هیئت‌مدیره نظام مهندسی ساختمان بوشهر همزمان با سراسر کشور ۱۶ مهرماه در این استان برگزار می‌شود. فرزاد رستمی اظهار داشت: اکنون سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر دارای ۴ هزار و ۷۰۰ عضو است. سازمان نظام ساختمان استان بوشهر در رشته های هفت گانه عمران، معماری، برق، مکانیک، شهرسازی، نقشه برداری و ترافیک فعالیت می کند و عضو می‌پذیرد. اعضا می‌توانند در انتخاب ۹ نفر از داوطلبان عضویت در هیئت مدیره برای یک دوره ۳ ساله مشارکت کنند که تمامی تدابیر لازم برای مشارکت هر بیشتر اعضاء انجام شده است.

برای فیلم «آه ای عبدالحلیم» احسان عبدی پور

شریفیان و یزدانی راک بوشهری می خوانند



محسن شریفیان سرپرست گروه موسیقی لیان با انتشار عکسی مشترک با رضا یزدانی خواننده سبک راک خبر از ساخت اثری مشترک داد.
این کار مشترک قرار است برای فیلم «آه ای عبدالحلیم» به کارگردانی احسان عبدی پور تهیه شود.
احسان عبدی پور کارگردان خلاق بوشهری چندی پیش خبر از حضور رضا یزدانی به عنوان بازیگر در فیلم در دست ساخت خود داده بود. عبدی پور همچنین به حضور محسن شریفیان به عنوان آهنگ ساز فیلم «آه ای عبدالحلیم» اشاره کرده بود.
عبدی‌پور در گفتگو با خبرنگار مهر درباره نقشی که رضا یزدانی در فیلم سینمایی «آه ای عبدالحلیم» بازی می‌کند گفته بود: داستان فیلم درباره یک گروه موسیقی بوشهری است و رضا یزدانی نقش یک خواننده راک را بازی می کند و کل داستان در قالب یک ملودرام اجتماعی روایت می شود.
وی در پاسخ به اینکه آیا رضا یزدانی نقش یک خواننده بوشهری را بازی می‌کند؟ بیان کرده بود: خاستگاه این گروه موسیقی که ما در فیلم نشان می‌دهیم، بوشهر است ولی به هیچ عنوان موسیقی بومی و محلی اجرا نمی کند، اما لحن بازیگران از جمله رضا یزدانی جنوبی است و مخاطب متوجه می شود که داستان این گروه موسیقی در جنوب کشور می گذرد. ضمن این که لوکیشن‌های این فیلم سینمایی در بوشهر است.
عبدی‌پور درباره آهنگسازی فیلم جدیدش توضیح داده بود: یکی از فاکتورهای اصلی فیلم «آه ای عبدالحلیم» موسیقی است و به دلیل اهمیت موسیقی در فیلم از محسن شریفیان سرپرست گروه موسیقی «لیان» که از آهنگسازان بوشهری نیز هست و نقش مهمی در معرفی موسیقی بومی جنوب ایران داشته است، دعوت به کار کرده ام.
کارگردان فیلم اکران نشده «پاپ» درباره انتخاب رضا یزدانی برای بازی در فیلم «آه ای عبدالحلیم» این چنین توضیح داده بود: رضا یزدانی خواننده توانمندی است و مخاطبان خاص خودش را دارد و تجربه بازی در نقش خواننده را نیز در فیلم داریوش مهرجویی داشته است در نتیجه با فضای سینما بیگانه نیست بنابراین این خواننده ایرانی بهترین گزینه برای بازی در این فیلم سینمایی بود و خوشبختانه خود یزدانی هم از بازی در این فیلم استقبال کرد.
پیش تولید این فیلم سینمایی در حال پایان است و فیلمبرداری نیمه مهرماه در بوشهر آغاز می شود.

در نهمین جشنواره موسیقی جوان

نوجوان بوشهری بهترین نوازنده پیانو شد



کامیار حاجی‌زاده هنرمند نوجوان بوشهری و نوازنده پیانو در نهمین جشنواره موسیقی جوان موفق به کسب رتبه نخست بخش پیانو شد.
نهمین جشنواره موسیقی جوان، برترین‌های خود در رشته‌های مختلف هنری را شناخت.
در این جشنواره کامیار حاجی‌زاده نوجوان هنرمند بوشهری و سازنده پیانو موفق شد با رأی هیئت داوران رتبه نخسبت بخش ساز پیانو را از آن خود کند.
بر اساس این گزارش هیئت داوران نهمین جشنواره موسیقی جوان در بخش ساز پیانو در گروه سنی الف تندیس، لوح تقدیر و جایزه این بخش را به کامیار حاجی‌زاده از بوشهر به عنوان رتبه اول اهدا کرد و هنرمندانی از کرج دوم و سوم شدند.